

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۰۹ جمعه ۲۴ خرداد ۱۳۹۲،

۱۴ ژوئن ۲۰۱۳ - ۱۶ صفحه

### مضحکه انتخابات و تقلای تهوع آور ملی - اسلامی ها

کاظم نیکخواه

صفحه ۳

### انتخاب مردم ایران سرنگونی حکومت اسلامی است

صفحه ۳

### ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی

صفحه ۶

مصاحبه با شیوا محبوبی و سرور کاردار

### صفحه زن آزاد

صفحه ۱۰

فرح صبری

### گفتاران روز و خفاشان شب

صفحه ۱۱

یاشار سهندی

### نگاهی کوتاه به سه روز از اعتراضات مردمی در ترکیه

صفحه ۱۴

گرد آورنده: نازیلا صادقی

## راهی بجز انقلاب وجود ندارد

مصاحبه با حمید تقوایی در مورد قطعنامه  
تقویت و متعین کردن صف انقلاب



کمونیست کارگری انقلاب را بعنوان يك امر حتمی و در حال شکل گیری در ایران می داند، آیا چنین برداشتی درست است؟ چه دلایلی برای درستی این نظر دارید؟ آیا راه حل های دیگری در مقابل جامعه ایران نمی تواند وجود داشته باشد؟

حمید تقوایی: اصطلاح "صف انقلاب" در عنوان قطعنامه به معنی جبهه و اردوی انقلاب است و نه يك انقلاب بالفعل و یا انقلاب بعنوان يك امر حتمی. در پیشبینی تحولات سیاسی حتمیتی وجود ندارد. البته جهتها و روندها و سیر محتمل تحولات را میتوان و باید تشخیص داد و قطعنامه هم همین کار را میکند. در بند اول

هفته گذشته پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری برگزار شد. قطعنامه "در باره تقویت و متعین کردن صف انقلاب" یکی از مصوبات این پلنوم بود که تبیین کلی حزب را از شرایط سیاسی در ایران و در عین حال چشم انداز اوضاع و راه حل های حزب را برای آینده بیان می کند.

در مورد این قطعنامه با حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب سوالاتی را مطرح کرده و از وی توضیحات بیشتری در مورد این قطعنامه خواسته ایم. با تشکر از حمید تقوایی

انترناسیونال: عنوان قطعنامه نشان می دهد که حزب

قطعنامه اعلام شده است که تحولات انقلابی و زیر و رو کننده محتمل ترین روند سیر اوضاع در ایران است. قطعنامه بر این اساس سیاستها و راهکارهای عملی مشخصی را در جهت زمینه سازی و تقویت و تدارک صف انقلاب و تحولات انقلابی در دستور کار حزب قرار میدهد.

ادامه صفحه ۲

### ترکیه برای یک زندگی انسانی پیا خاسته است خیزشی که فقط یک چیز کم دارد: حزب رهبری انقلاب!

صفحه ۴

محسن ابراهیمی



## راهی بجز انقلاب وجود ندارد

از صفحه ۱

پرسیده اید آیا راه حل دیگری در مقابل جامعه وجود ندارد؟ از نقطه نظر اکثریت عظیم مردم ایران، خیر راه حل دیگری وجود ندارد. مهمترین مساله ۹۹ درصد مردم ایران نفس وجود جمهوری اسلامی است و تنها راه حل این مساله انقلاب است. این رژیم را تنها میتوان بقدرت يك انقلاب قدرتمند، سازمانیافته و عمیقاً چپ و رادیکال و انسانی بزرگ کشید. راههای دیگر، استحاله و تغییر قانون اساسی و تعدیل حکومت و یا جمهوری اسلامی منهای ولی فقیه به شیوه ملی - اسلامیون و یا رژیم چنج و دولتنسازي از بالا به شیوه سلطنت طلبها، همه جزئی از صورت مساله جامعه (۹۹ درصد مردم) است و نه جزئی از راه حل. به نظر من اکثریت مردم بر این امر واقفند که بدون بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی جامعه آزاد نخواهد شد و از نظر عینی - شرایط سیاسی و اقتصادی و بحران همه جانبه رژیم که در قطعنامه به آنها اشاره شده - نیز سیر اوضاع به سمت يك رویارویی آشکار میان توده مردم و حکومت بحرانزده جمهوری اسلامی حرکت میکند.

*انترناسیونال:* در مورد بهبود نسبی شرایط چه فکر میکنید؟ ممکن است گفته شود که گرچه حل مسائل اساسی جامعه به سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است اما میتوان با وجود این حکومت هم برخی از مصائب جامعه را التیام بخشید و وضع را نه به شکل ایده آل ولی در هر حال به وضعیتی بهتر از شرایط موجود تبدیل کرد. نظراتان در این مورد چیست؟

حمید *تقوایی:* به عقیده من هم تحلیل و نظر و هم تجربه و عمل

نشان میدهد با وجود جمهوری اسلامی بهبودی در شرایط زندگی مردم امکانپذیر نیست. از لحاظ تحلیلی نفس وجود جمهوری اسلامی، یعنی رژیمی که به ضرب اسلام و ایدئولوژی و قوانین و سرکوب اسلامی خود را سر پا نگهداشته است، با کمترین معیارها و استانداردهای يك جامعه متمدن عصر ما، و لذا با کمترین بهبودی در وضعیت توده مردم، متناقض است. تا زمانی که جمهوری اسلامی برقرار است سخنی هم از اصلاح و بهبود شرایط نمیتواند در میان باشد. تجربه نیز کاملاً این نظریه اصلاح ناپذیری حکومت و نظام جمهوری اسلامی را تایید میکند. در مدت سی و چهار سال حکومت اسلامی نه تنها از نظر اقتصادی و رفاهی و فرهنگی و اجتماعی بهبود و پیشرفتی در وضعیت جامعه حاصل نشده است بلکه برعکس در تمام این سطوح وضع روزبروز بدتر شده است. فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری هر روز شدید تر و گسترده تر شده، فاصله بین فقر و ثروت - میان آیت الله های میلیاردی و اقلیت مفتخور سرمایه داران اسلام پناه با توده عظیم کارگران و مردم زحمتکشی که به زندگی زیر يك پنجم خط فقر محکوم شده اند - هر روز بیشتر و عمیق تر شده است و در عوض آمار دستگیریه و اعدامها و اعتیاد و فحشا و افسردگی و خود کشی هر روز بالاتر و بالاتر رفته است. تاریخ جمهوری اسلامی تاریخ به قهقرا رفتن جامعه ایران است. و تنها راه متوقف کردن این سیر نزولی سرنگونی حکومتی است که چون وزنه سنگینی به پای جامعه بسته شده و آنرا هر روز بیشتر به حقیض میکشد.

*انترناسیونال:* همانطور که در

بالا اشاره کردید در بندهای مختلف قطعنامه سیاستها و اقدامات مشخصی با هدف تدارک و تقویت صف انقلاب اعلام شده است که پائین تر به آنها خواهیم پرداخت. اما قبل از آن لازمست در مورد آن خط و جهتگیری عمومی که این اقدامات را به هم وصل میکند بیشتر توضیح بدهید؟ مبنا و اساس سیاست "تقویت و متعین کردن صف انقلاب" کدامست؟

حمید *تقوایی:* ما بارها تاکید کرده ایم که انقلاب يك پدیده عینی است که با فراخوان این یا آن نیروی سیاسی آغاز نمیشود بلکه ناشی از شرایط عینی سیاسی و اجتماعی است. انقلاب زمانی رخ میدهد که به تعبیر لنین بالائی ها دیگر قادر به حکومت نباشند و پائینی ها نتوانند تحمل کنند. اما ازینجا نباید و نمیتوان نتیجه گرفت که يك نیروی انقلابی مثل حزب ما در قبال تحولات انقلابی که در چشم انداز جامعه قرار گرفته است وظیفه ای ندارد و باید منتظر بنشیند تا انقلاب عملاً سر بلند کند. بلکه بر عکس ما خالق انقلاب نیستیم اما موظفیم خود و جامعه را برای تحولات انقلابی که در پیش است آماده و مجهز کنیم و این امر از همین امروز وظایف متعددی را در دستور کار ما قرار میدهد. قطعنامه حاضر رؤس چنین وظایفی را با توجه به اوضاع جهانی و بخصوص تجربه انقلابات منطقه بیان میکند.

همانطور که تجربه انقلابات منطقه، و به نظر من همه انقلابات در عصر حاضر، از جمله انقلاب ۵۷ ایران، نشان میدهد انقلاب در کشورهای اختناقزده که يك رژیم دیکتاتوری جامعه را به سکون و جمود کشانده و کوچکترین صدا و حرکت اعتراضی را در نطفه خفه کرده است به شکل يك انفجار و آتشفشان

ناگهانی و غافلگیر کننده سر بلند میکند. در این نوع جوامع قبل از شروع انقلاب از جنبشها و حرکتها و چهره ها و فعالین و نهادهای اعتراضی خبر چندانی نیست و مخالفت با رژیم موجود و حتی اعتراض به این یا آن مساله مشخص اجتماعی یا سیاسی ناگزیر تنها به شکل مخفی و زیر زمینی و در سطحی بسیار محدود میتواند صورت بگیرد. ایران قبل از ۵۷ - که به گورستان آریامهری معروف بود - و یا مصر زمان مبارک و تونس زمان بن علی - دقیقاً چنین شرایطی داشتند. نتیجه این وضعیت - که یکی از "محسنات" سلطه دیکتاتوری برای طبقه حاکمه است - جلوگیری از شکلگیری انقلاب و در صورت بروز آن، کنترل اوضاع پس از انقلاب و تحریف و به بیراهه کشاندن و قیچی کردن آن بوسیله طبقه حاکمه است. دیکتاتور سقوط میکند اما نظام سر جای خودش میماند و دیکتاتوری طبقه حاکمه در شکل و ظاهر دیگری ادامه پیدا میکند. ظهور و روی کار آمدن جمهوری اسلامی يك نمونه گویای این تجربه است و امروز در مصر و تونس و لیبی هم ارتجاع در صد تکرار همین سناریو است.

اما شرایط اجتماعی و سیاسی در ایران امروز کاملاً با ایران دهه پنجاه شمس و یا مصر و تونس و لیبی قبل از انقلابات اخیر متفاوت است. جمهوری اسلامی از بدو بقدرت رسیدن با تمام توان کوشیده است در ایران يك گورستان آریامهری دیگری برپا کند و نتوانسته است. سرکوبگریها و توحش و جنایات این رژیم رکورد همه دیکتاتوری های معاصر را شکسته است اما جامعه هرگز تسلیم نشده و به سکون و جمود کشیده نشده است. این را هم باید یکی از ثمرات انقلاب ۵۷ دانست که گرچه به شکست کشیده شد اما زمین را عمیقاً شخم زد و عملاً به طبقه حاکمه اجازه نداد آرامش گورستانی

مطلوب خود را در جامعه احیا کند. میتوان گفت تجربه امروز انقلابات مصر و تونس و لیبی را جامعه ایران سی و چهار سال قبل از سر گذراند و دیگر به آن شرایط باز نمیگردد.

از همان اولین ماههای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی مبارزه زنان علیه حجاب اجباری، مبارزه کارگران علیه بیکاری و برای حفظ شوراها و کنترل کارخانه ها که يك دستاورد انقلاب بود و اعتراض جوانان و دانشجویان علیه اسلامیزه کردن دانشگاهها و سیستم آموزشی آغاز شد و در ابعاد مختلفی تا امروز ادامه داشته است. در سه دهه اخیر ما شاهد هشت مارسها و شانزده آذرها و اول ماه مه های پرشور، اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری، مقاومت و مبارزه بی وقفه زنان علیه آپارتاید جنسی، ۱۸ تیرها، شورهای شهری متعدد، و حرکت میلیونی توده ای نظیر خیزش انقلابی سال هشتاد و هشت بوده ایم.

این شرایط به جامعه ایران موقعیت خودرئزه ای میدهد که باید در جهتگیری و سیاست و فعالیتهای حزب انقلابی ای مانند حزب ما در نظر گرفته بشود. این نقطه عزیمت قطعنامه است. اساس این سیاست عبارتست از اشاعه يك اعتراض و نقد عمیق و مشخص به مصائب و مشکلات جامعه و نظام حاکم - آنچه در ادبیات حزبی تعمیم "نه مردم خوانده میشود - و شکل دادن، تقویت کردن و گسترش بخشیدن به جنبشهای اعتراضی، آکسیونها، تشکلهای نهادها و فعالین و چهره های سرشناس در عرصه های مختلف مبارزه بویژه در جنبش کارگری، در جنبش علیه آپارتاید جنسی و بیحقوقی زن، و جنبش مذهب زدائی از دولت و جامعه. همانطور که در قطعنامه تصریح شده هر اندازه این جنبشها متشکل تر و

ادامه صفحه ۸

**سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## مضحکه انتخابات و تقای تهوع آور ملی - اسلامی ها

## انتخاب مردم ایران سرنگونی حکومت اسلامی است



کاظم نیکخواه

"انتخابات" حکومتی تا همینجا یک خاصیتی که داشته چهره اپوزیسیون کذایی ملی - اسلامی یعنی رانده شدگان از حکومت، توده‌ای اکثریتی‌ها و لیبرال - اسلامی‌های رنگارنگ و رسانه‌های فارسی زبان دولتهای غربی نظیر بی بی سی و امثال آنها را بیش از پیش برملا کرده و نشان داده که این طیف حتی اگر صد بار هم از خود انتقاد کند و از سیاست و خطی که در ایران مردم آنرا بعنوان "خط خیانت" میشناسند اعلام پراشت کند، اما بهیچوجه از این سیاست جذابی پنییر نیست.

این بار هم همینها که خود را آشکارا مخالف انقلاب معرفی میکنند، بار دیگر به صف شده اند تا بازی کثیف دفاع از یک جناح حکومت را تکرار کنند. این بار هم کاندیدای آنها نظیر سال ۸۸ حتی در حرف هم یک کلمه از "اصلاح" و تغییر و فرم کذایی ای که اینها گویا از آن دفاع میکنند، سخن نگفته است. اما این طیف جریان‌ات بورژوازی در شرایطی که مساله اصلی مردم ایران خلاص شدن از شر کل حکومت است، فعالانه تحت عناوین گوناگون به کاروان حسن روحانی پیوسته اند و همصدا با امثال رفسنجانی و خاتمی، مردم را به شرکت در مضحکه انتخاباتی و رای دادن به او ترغیب میکنند. روحانی که اکنون لقب "دکتر" را یک بار هم از نام او جدا نمیکنند، یک آخوند مرتجع و جنایتکار است که در طراحی و سازماندهی ماشین جنایت اسلامی در بالاترین سطح نقش فعال

داشته است. حسن روحانی دبیر سابق "شورای امنیت ملی" جمهوری اسلامی یعنی ارگان اصلی سرکوب و جاسوسی و سانسور و کشتار حکومت و عضو کنونی آن است. او عضو "مجلس خبرگان"، عضو "مجمع تشخیص مصلحت نظام" و نماینده مجلس اسلامی و امثال اینها است. همین مناصب کل شخصیت این موجود خبیث را بخوبی برملا میکنند. نشان میدهد که این شخص در کنار رفسنجانی و وزیر اطلاعات و وزیر کشور و رئیس پلیس و نیروی انتظامی و فرماندهان نیروهای مسلح حکومت، سازمان دهنده و استراتژی تمام جنایات و سیاستهای ضد مردمی این رژیم در تمام سالهای گذشته تاکنون بوده است. در مورد کارنامه روحانی زیاد میتوان گفت و همه ملی اسلامی‌ها و توده ای-اکثریتی‌ها و طیفهای مختلف ضد انقلاب و راست و پرورژیمی همه اینها را میدانند، اما شرم نمیکنند. بلکه وقیحانه چشم در چشم مردم دروغ میگویند و همه اینها را توجیه میکنند. گویا حمایت اینها از آخوند حسن روحانی با هدف تضعیف ولی فقیه و تکرار سناریوی ۸۸ است. اینها از سناریوی ۸۸ آن بخش را که مردم میلیونی به خیابان آمدند و فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی سردادند، بهیچ وجه مد نظر ندارند. برعکس خیلی از اینها در همان سال ۸۸ با انقلاب و خیزش مردم مخالفت کردند و گفتند و هشدار دادند که در کف خیابان دارد زیاده روی صورت بگیرد و مثل "قطاری است که به سرازیری افتاده" و دیگر برای امثال موسوی "قابل کنترل و ترمز کردن نیست" و امثال اینها. از تکرار سناریوی ۸۸ این طیف ملی اسلامی منظورشان به بازی گرفته شدن طیفهای حاشیه‌ای و رانده شده ای نظیر موسوی و رفسنجانی در سوخت و ساز حکومت اسلامی است. بازگشت به دامان حکومت و حفظ نظام کثیف اسلامی و جلوگیری از انقلاب و به

میدان آمدن مردم، امر اصلی این جماعت است. اتفاقا سناریوی ۸۸ اگر یک درس داشته باشد همان است که ما از ابتدا تاکید کردیم که جناح‌های حکومت و پادوهای آنها را باید تماما طرد و منزوی کرد و باید کل نظام را نشانه گرفت و گرنه انقلاب مردم به شکست خواهد رسید.

در واقع امروز در ایران یک صف بندی جنی و اساسی میان کارگران و مردم که میخواهند خود را تماما از شر حکومت اسلامی و سنتها و قوانینش برای همیشه خلاص کنند، در مقابل طیف‌ها و نیروهای بورژوازی رنگارنگ ضد انقلاب و مدافع نظام اسلامی بوضوح قابل تشخیص است. برخی از این طیف مستقیما خود را مدافع نظام نمیدانند، برخی نجات نظامشان را در گرو کنار زدن ولی فقیه می بینند اما همه این نیروها از ترس به جریان افتادن انقلاب مردم در عمل حتی همین را هم دنبال نمیکنند. شماری از اینها نظیر فرخ نگهدار از چهره‌های سازمان اکثریت صراحت بیشتری دارند و رک و راست اعلام میکنند که قبلا علیه ولی فقیه بوده‌اند و اکنون از ولی فقیه حمایت میکنند یا نظیر گنجی بعد از سالها فیلسوف بازی و مخالفت با ولی فقیه، میگویند سرنگونی حکومت اسلامی به زیان مردم است و جامعه را عقب میکشند با کمی دقت میتوان فهمید که کل طیف بورژوازی در برابر فضای سیاسی جامعه که سرنگونی طلبی و انقلابی‌گری بر آن غالب است، به صورت آشکار یا بصورت شرمگینانه و ریاکارانه مخالف سرنگونی طلبی است و عملا از حفظ نظام کثیف اسلامی دفاع میکنند.

روشن است که اپوزیسیون پرورژیمی، دشمن خواستها و مصالح مردم است و باید طرد و منزوی شود. اینها امروز بار دیگر میخواهند نفرت و خشم مردم از کل حکومت را متوجه یک جناح حکومت کنند و نظام کثیف و چپاولگر و ضد انسانی اسلامی را از زیر

حکومت اسلامی ایران قرار است در روز ۱۴ ژوئن امسال دور دیگری از به اصطلاح "انتخابات" رئیس‌جمهوریش را برگزار کند. در نظامی که حکومتش با زور و سرکوب و اعدام بر سر کار است، انتخابات یک نمایش مضحک است. هیچ چیز مسخره تر از این نیست که مراسم تعویض رئیس‌جمهور این حکومت را "انتخابات" بنامند.

در ایران احزاب آزاد نیستند. آزادی عقیده معنی ندارد و انتقاد و مخالفت با حکومت با زندان و شکنجه پاسخ میگیرد. زنان نه فقط حق انتخاب شدن ندارند، بلکه به جرم زن بودن مدام تحت پیگرد و توهین و تحقیر قرار دارند. هیچ سازمان و فرد اپوزیسیونی حق فعالیت ندارد. حتی اکثریت قریب به اتفاق کاندیداهای ریاست جمهوری اسلامی که همگی از دست اندرکاران سابق و امروز حکومت بوده‌اند، برای نمونه رئیس‌جمهور سابق، رئیس مجلس سابق، نخست وزیر سابق، معاون رئیس‌جمهور کنونی، رد صلاحیت شده‌اند. اینها خود از جنایتکارترین شخصیت‌های بالای حکومت و شریک تمام جنایتهای این حکومت بوده‌اند. این معنی واقعی هر نوع انتخاباتی در جمهوری اسلامی است.

برخورد برخی دول غربی و ضرب بیرون برند. جماعت اسلامی مرتجع و آخوند زده میخواهد جامعه ای را که خلاصی از شر حکومت توحش و ارتجاع و چپاولگری را دنبال میکنند عقب بکشد و به دنباله روی جناحهای حکومت تبدیل کند. کل طیف اپوزیسیون ملی اسلامی و پرورژیمی وحشت زده شاهد اینست که جامعه ایران بشدت انقلابی و ضد حکومت است،

رسانه‌های نظیر بی بی سی و صدای آمریکا نیز تهوع آور است. حداکثر نقدشان به این مضحکه، رد صلاحیت شدن مثلا رفسنجانی و یا نکات حاشیه‌ای دیگر است. مردم ایران اما در جریان انتخابات رژیم نیز بی حقوقی عمیق و همه جانبه خود را میبینند. اکثریت عظیم مردم مشکیشان با نفس این حکومت است. نه آپارتاید جنسی میخواهند، نه بیحقوقی و سرکوب و زندان میخواهند. نه فقر و فلاکت و زندگی زیر خط فقر و نه دخالت هرروزه مذهب و نهادهای اسلامی در زندگی خصوصی خود را می پذیرند. مردم خواهان سرنگونی کل بساط این حکومت اند. مردم ایران حکومتی غیر مذهبی میخواهند، آزادی و رفاه و زندگی انسانی میخواهند.

رای مردم ایران سرنگونی این حکومت و برچیدن کل بساط این حکومت است. این را مردم در سال ۸۸ در صفوف میلیونی و با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی با صدای رسا اعلام کردند. از مبارزات مردم ایران برای خلاص شدن از شر قاتلان و دزدان میلیاردر و دستیابی به رفاه و آزادی حمایت کنید!

تشکیلات خارج کشور حزب  
کمونیست کارگری ایران  
۱۰ ژوئن ۲۰۱۳

صفوف حکومت در هم ریخته است و آلترناتیوهای راست به بن بست و شکست رسیده است. بر متن این شرایط است که میتوان مطمئن بود این جست و خیز و هیاهوی راست و این تقلاهای دلالتان سیاسی ورشکسته نیز با تلاش تمام نیروهای رادیکال و کمونیست و کارگری و انقلابی نقش بر آب خواهد شد. ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳\*

# ترکیه برای یک زندگی انسانی بپا خاسته است خیزشی که فقط یک چیز کم دارد: حزب رهبری انقلاب!



مهدی ابراهیمی

اعتراض کوچکی که در ترکیه به یک رو در رویی تمام عیار میان مردم و حکومت تبدیل شد همچنان ادامه دارد. سراسر ترکیه و مخصوصاً میدان تقسیم ۱۸ روز است که به صحنه جدالی بزرگ میان نسلی بپاخاسته از یکطرف و دولت اسلامی سرمایه داران تبدیل شده است. نبردی شورانگیز که شکست و پیروزی هم برای طبقه حاکم و هم برای صف آزادیخواهی و برابری طلبی اهمیت حیاتی دارد.

در میدان تقسیم همان پرچمی برافراشته شده است که انقلابیون میدان تحریر دو سال پیش بر دوش کشیدند. این نبردی برای نان، آزادی و کرامت انسانی است. تعجب نکنید اگر یک مقاومت دهها نفره در دفاع از محیط زیست به یک رودرویی تمام عیار با یک حکومت آنهم در سراسر ترکیه تبدیل شد. این بارانی در آسمان بی ابر نبود. این طغیان نسلهایی است که سالها

زیر دست و پای دیکتاتورهای نظامی و بعداً دولت اسلام گرای اردوغان له شده اند. این شورش علیه ریاضت اقتصادی تحمیل شده توسط دولت نئولیبرال اسلامی اردوغان، علیه فقر اقتصادی و بیکاری، علیه فساد اداری و سرکوب سیاسی است. این شورش علیه دولتی است که دستور کار سیاسی اش تامین امنیت سرمایه در دوشیدن طبقه کارگر ترکیه است. شورش علیه نوکر اسلامی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است. در عین حال این شورش علیه دست درازی یک دولت اسلامگرا به ارزشهای سکولار جامعه است. جوانی در میدان تقسیم با یک جمله مضمون سکولار اعتراض جاری را در یک جمله کوتاه اعلام کرد: "ما نمیخواهیم در ایران (جمهوری اسلامی) زندگی کنیم!"

ترکیه کارگران، ترکیه جوانان پیشرو و سکولار، ترکیه زنان و مردان آزادیخواه و مدرن همچنان در مقابل ترکیه سرمایه و دولت متحجر اسلام گرایش مقاومت میکنند. نه تنها مقاومت میکند بلکه به ساحت تمام مقدساتش تعرض کرده است. میدان تقسیم بعد از ۱۸ روز مقاومت پرشور در مقابل توحش عنان گسیخته دستگاه سرکوب سرمایه همچنان در جوش و خروش است. تا لحظه نوشتن این سطور، حکومت حزب "عدالت

و توسعه" نتوانسته است مردم را به خانه ها برگرداند و مردم هم نتوانسته اند دولت را بزیر بکشند. آینده این نبرد سیاسی هم برای ارتجاع حاکم در ترکیه و متحدین جهانیش و هم برای جنبش آزادیخواه و عدالت طلب جاری مهم است. این نبرد ممکن است به یک انقلاب علیه نظم حاکم ارتقا یابد و ممکن است فروکش کند که بازهم در مقطعی دیگر سربلند خواهد کرد. اما خیزش ترکیه تا همینجا این واقعیتها را در مقابل ما قرار داده است:

۱- دولت اسلامی اردوغان علیرغم رجزخوانیهای اولیه اش، علیرغم توحش عنان گسیخته ارگانهای سرکوبش هنوز قادر نشده است میدان تقسیم این قلب پتپنده آزادی و عدالت را از حرکت باز دارد. دولت از رفتار خشن پلیس اش عذرخواهی کرد و میدان تقسیم گول نخورد. دولت اولتیماتوم داد و توانست مبارزین میدان را مرعوب کند. دولت زرادخانه عظیم گاز اشک آور و گاز فلفل و پلیس و نیروهای امنیتی آدمکشش را به میدان آورد و در مقابل، مردم با ابتکارات خیره کننده ای هر یورش حکومت را خنثی کردند. نخست وزیری که افتخار ول کردن ترکیه زیر دست وپای "غارتگران" سرمایه جهانی را یدک میکشد، مردم معترض را "چاپولچی" (غارتگر) خطاب کرد و مردم با فریاد "ما هر روز

غارت میکنیم"، "ما همه غارتگریم"، غارت را در ادبیات سیاسی ترکیه و جهان به "شورشگر" علیه نظم حاکم تبدیل کردند. دیکشنریهای اینترنتی در مقابل غارتگر معنای جدیدش را ثبت کردند.

بعد از ۱۸ روز سرکوب خونین، مبارزین تقسیم در سنگرهایشان آواز "تصور کن" جان لنون را میخوانند و خود را برای نبرد در صبحگاه بعدی آماده میکنند. بعد از ۱۸ روز باران گاز فلفل بر مبارزان تقسیم، قدرت سرکوب دولت با یک پلاکاردها خصلت نما به سخره گرفته شد: ما نسل کودکانی هستیم که ماشینهای سمپاشی را دنبال میگردیم؛ ما را از گاز فلفل نترسانید!

۲- اگر دو سال پیش، میدان تحریر به سمبل مبارزه علیه آلترناتیوهای سکولار ناسیونالیست پرو غرب تبدیل شد؛ امروز میدان تقسیم دارد به سمبل مبارزه علیه آلترناتیو اسلامی میانه روی تبدیل میشود که بورژوازی ترکیه و غرب دهسال تمام زیر بغلش را گرفتند.

۳- میدان تحریر در همان مدت کوتاه جوش و خروش انقلابیش، الگویی از یک جامعه آزاد و برابر را در مقابل جهانیان به نمایش گذاشت. جامعه ای که در آن از مذهب و ملیت کسی نپرسیدند؛ جامعه ای که در آن تبعیض به هیچ معنایی جا نداشت؛ جامعه ای

که در آن کسی جرئت نکرد به حرمت زنان تعرض کند؛ جامعه ای که برای همه خلاقیتها جا داشت. میدان تقسیم، یکبار دیگر تجربه میدان تحریر را تکرار میکند. میدان تقسیم توسط مدافعینش "جمهوری آزاد تقسیم" نام گذاشته شد. جمهوری ای که در آن زن و مرد، پیر و جوان، مذهبی و غیر مذهبی، کارگر و دکتر و مهندس و پرستار همه قدرت خلاقه شان را روی هم ریختند تا لحظات آزادی و عدالت را باهم تجربه کنند. در میدان تقسیم جوانانی که سالهای سال با سموم ناسیونالیسم ترک بمباران شده بودند، دوشادوش جوانانی قرار گرفتند که تحت عنوان ترک کوهی توسط ناسیونالیسم ترک تحقیر شده اند. در میدان تقسیم، در لحظه مبارزه علیه رژیم که جای دیکتاتورهای نظامی سابق را بر بالای دیوارها رفت که بدست جوخه های مرگ ناسیونالیسم نظامیان حاکم سابق کشته شده اند. میدان تقسیم به صحنه مبارزه علیه هر دو رژیم، نظامیان قبل و اسلامیون امروز تبدیل شده است.

۴- مقاومت میدان تقسیم با همان ابزاری سازمان یافت که مقاومت میدان تحریر: اس ام اس، فیسبوک، تویتر و ... در ترکیه ای که

## ترکیه برای یک زندگی انسانی پیا خاسته است خیزشی که فقط یک چیز کم دارد: حزب رهبری انقلاب!

از صفحه ۴

زندان ژورنالیستهای آزادیخواه است، ژورنالیسم اجتماعی شهروندان خفقان نظم حاکم را در هر ریخت و نبرد باشکوهش را در مقابل چشم جهانیان پیش برد. در نقطه مقابل، دقیقا همان شگردها و همان روشهای میدیایی بن علی و مبارک توسط اردوغان و حزیش بکار گرفته شد: آنگاه که دود و آتش فضای میدان تقسیم را پر کرده بود، تلویزیونهای سر به سرمایه و دولتش، از اسب پیشکشی دولت ترکمنستان به رئیس جمهور گزارش های پر آب و تاب پخش میکردند و نخست وزیر در باره "اوباشی که از خارج دستور میگیرند؛ اقلیتی که میخواستند نظم را به هم بزنند" وراجی میکرد. اما مثل همه انقلابات منطقه، ابرهای نازک خفقان ژورنالیستی طبقه حاکم در مقابل پرتو خیره کننده گزارش مستقیم شهروندان ژورنالیست بسرعت آب شدند و ناپدید شدند.

۵- این ویژگی همه مقاطع انقلابی است که دخالت در سیاست را از قلمرو احزاب متعلق به نظم حاکم فراتر میبرد و توده های وسیع را درگیر میکند. انقلاب، در یک چشم به هم زدن، عرصه سیاست را که در حالت متعارف میدان یک تازی احزاب حاکم است به روی توده هایی باز میکند که شاید هرگز

به خود به عنوان سیاسی نگاه نکرده اند. در میان دهها هزار نفری که در سراسر ترکیه با نیروهای نظم حاکم نبرد کردند، در میان جوانانی که باریکادهای تقسیم را برپا کردند و نبردی تحسین برانگیز با نیروهای ارتجاع را پیش بردند تعداد زیادی بودند که هرگز عضو حزبی نبوده اند و هرگز درگیر سیاست نبوده اند. به یمن قدرت خبر رسانی اینترنتی توسط ژورنالیسم شهروندان، ژورنالیسم حاکم قادر نشد نه تنها مردم را از حقایق بی خبر نگه دارد بلکه نتوانست تصویر وارونه از اوضاع بدهد و مردم را در بهترین حالت بی تفاوت نگه دارد. طبقه حاکمی که نتواند حقایق را مخفی یا وارونه کند در مقابل انقلابات صدمه پذیر تر است.

۶- محافلی از طبقه حاکم در ترکیه شایع میکنند که پشت همه این اتفاقات توطئه ای خوابیده است و میخواهند در متن یک هرج و مرج سیاسی، نظامیان حاکم سابق که متخصص کودتا هستند را به نام امنیت و آرامش دو باره بر سرنوشت مردم حاکم کند.

اولا، طبقه بورژوازی ترکیه دقیقا به خاطر ورشکستگی آلترناتیو سیاسی نظامیان ناسیونالیست به آلترناتیو حزب اسلامی عدالت و توسعه روی آورده است. آن چیزی را که

سرمایه جهانی همدوشش در مقابل ضربه اولیه اعتراضات سرگیجه گرفته اند. آلترناتیو نورسیده اسلامیشان در حال فروپاشی است و آلترناتیو نظامی ناسیونالیستی قبلا خودش شکست خورده است.

ثانیا، یک فاکتور مهم در پیروزی هر کودتایی، انفعال و وحشت اکثریت مردم است. اکثریت مردم ترکیه الان دارند قدرت خودشان را در مقابل همه ابزارهای سرکوب طبقه حاکم به نمایش میگذارند؛ ابزارهایی که هر کودتای احتمالی باید از طریقش ترس و وحشت ایجاد کند. ابزار کودتای احتمالی آینده در حال حاضر خود موضوع تعرض است. ترکیه بیش از هر زمانی از تاریخ سیاسی اش آماده است با یک ضد کودتا هر کودتای احتمالی را به چالش بکشد.

۷- و بالاخره، اعتراض در ترکیه با همان معضل بنیادی روبروست که انقلابات منطقه را فعلا در میانه راه زمینگیر کرده است: رهبری انقلابی. در ترکیه، مثل تونس و مصر و

کشورهای منطقه، حزب انقلاب غایب است: حزبی که بتواند فعالین پیشرو طبقه کارگر و نیروهای رادیکال پراکنده در آنکارا و استانبول و مراکز کار و زندگی را در صف خود متشکل و متحد کند، حزبی که بتواند خود را به مشابه یک آلترناتیو زیر و روکننده قابل اعتماد اکثریت مردم در مقابل جامعه قرار دهد؛ حزبی که بتواند به انتخاب اکثریت مردم تبدیل شود؛ حزبی که بتواند انرژی و خلاقیت و انساندوستی و آرمانخواهی و جسارت و ابتکار توده های انقلابی را در قالب یک سازمان سیاسی در خود متمرکز کند و با نقشه و سازمانیافته همه ترفندهای سیاسی طبقه حاکم و آلترناتیوهایش را یک به یک خنثی کند و با یک قیام نقشه مند قدرت سیاسی حاکم را در هم بشکند و اداره جامعه را بدست ارگانهای منتخب مردم بسپارد. این نقص بنیادی تمام انقلابات منطقه از جمله خیزش مردم ترکیه است.\*

۱۴ ژوئن ۲۰۱۳



## ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی



مصاحبه با شیوا محبوبی و سرور کاردار

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی روز ۲۰ ژوئن برابر با سی خرداد را روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی اعلام کرده است. امسال هم شاهد تلاش ها و فعالیت های فعالین این کمیته هستیم. موضوع اصلی ۲۰ ژوئن امسال کودکان و فرزندان زندانیان سیاسی یعنی قربانیان فراموش شده توحش جمهوری اسلامی، اعلام شده است. جزئیات بیشتر در مورد این روز جهانی را از شیوا محبوبی و سرور کاردار از فعالین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی پرسیده ایم. با تشکر و آرزوی موفقیت برای آنها

انترناسیونال

انترناسیونال: چرا بیستم ژوئن را انتخاب کردید و چه هدفی از انتخاب این روز دارید؟

شیوا محبوبی: چند سال اخیر و بالاخص بدنبال خیزش مردم در سال ۲۰۰۹ مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ابعاد وسیعی خود را نشان داده است. فعالیتهای متنوعی حول آزادی زندانیان سیاسی در نقاط مختلف

دردناک اشاره دارد. مقطع سرکوب اعتراضات مردم در بیستم ژوئن (سی خرداد) سال ۲۰۰۹، کشتن ندا آقاسلطان و دستگیری هزاران نفر در آن روز، و مقطع دوم دستگیریها و سرکوبهای وسیع در سال ۶۰ که با ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ آغاز شد. این روز به یک معنی مبارزه دو نسل از آزادیخواهان، دو نسل از زندانیان سیاسی را به هم پیوند میدهد و جنایات رژیم را در طول کل حاکمیتش افشا میکند. این روز مشخص که هر ساله در سطح بین المللی برگزار میشود مانند سایر مناسبتهای جهانی، کمک میکند که میلیونها نفر همزمان توجهشان به جنایات رژیم در زندانها جلب شود، حمایت از زندانیان سیاسی را در اذهان زنده نگه میدارد، تعداد وسیعتری به مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی میپیوندند و رژیم را در سطح وسیعتری تحت فشار قرار میدهد. هدف ما اینست که روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی روز حمایت از تمام کسانی باشد که در طول این ۳۴ سال در سياهچالهای رژیم اسلامی شکنجه و زندان شده اند و در عین حال صدای زندانیان سیاسی باشد که متأسفانه دیگر در میان ما نیستند. ما امیدواریم با کمک تشکلهای مردم آزادیخواه این روز را به یک روز شناخته شده تبدیل کرده و در فردای سرنگونی رژیم اسلامی، این روز یادمان تمام زندانیان سیاسی باشد که در طول حاکمیت رژیم جان باخته اند.

انترناسیونال: این فراخوان از داخل کشور چه پاسخی گرفته است؟

سرور کاردار: بهترین کانال ارتباطی کمیته با داخل کشور برنامه زنده تلویزیونی کمیته هست که هر ۲ هفته یکبار پخش

میشود. صدها نفر از داخل کشور تماس مستقیم میگیرند و ما تنها در مدت کوتاه برنامه به طور متوسط قادر به پوشش ۲۰ تا ۳۰ نفر می شویم. این حجم تماس نشان دهنده استقبال مردم از برنامههای کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران میباشد. بخاطر خفقان شدید سیاسی در ایران که مستحضر هستید نمیتوان انتظار داشت که مردم مثل خارج از کشور به این نوع فراخوانها پاسخ مستقیم عملی با حضور در خیابانها بدهند ولی ما به تحقیق میدانیم که مردم از هر فرصتی استفاده میکنند که اعتراض کنند. نمونه این نوع اعتراضات تجمع خانوادههای زندانیان سیاسی در مقابل زندانها میباشد. همچنین کمیته مستقیماً با تعدادی از زندانیان سیاسی در تماس مستقیم میباشد.

انترناسیونال: برای شناساندن این روز چه اقداماتی انجام داده و چه تدارکاتی دیده اید؟

شیوا محبوبی: این روز را ما در سال ۲۰۱۰ اعلام کردیم اما از آنجایی که زمان کافی برای سازماندهی این روز در دست نبود از سال ۲۰۱۱ برگزاری تجمعات را شروع کردیم. ما به تمام سازمانها، تشکلهای و شخصیتهای مدافع زندانیان سیاسی نامه نوشتیم و از آنها دعوت کردیم در هر شکل و فرمی که میخواهند در این روز شرکت کنند. به اتحادیهها و سازمانهای غیر ایرانی نامه ارسال نموده و با عفو بین الملل و چندین سازمان حقوق بشر جلسه برگزار کردیم. در سطح وسیعی ماتریلهای صوتی، نوشتاری و تصویری را در دسترس مردم قرار دادیم، از طریق میدیای اجتماعی از جمله توئیتر و فیس بوک، برنامه

تلویزیونی کانال جدید، مصاحبه با زندانیان سیاسی و کارزار "من صدای او هستم"، چاپ کارت پستالهای اعتراضی، برگزاری کنسرت و غیره، دست به تبلیغ زدیم. در سال ۲۰۱۱ در ۵۰ شهر دنیا برنامه بیستم ژوئن - سی خرداد. برگزار شد و تعداد وسیعی از سازمانها و تشکلهای ایرانی در سازماندهی این ۵۰ شهر دخالت داشتند. در سال ۲۰۱۲ در ۲۹ شهر دنیا برنامه برگزار شد و حجم وسیعی ماتریال صدا و تصویر در حمایت از زندانیان سیاسی تولید شد. در این سال ما با کمیسیون حقوق بشر پارلمان اروپا نیز ملاقات داشتیم. رئیس یکی از بزرگترین سازمانهای علیه شکنجه در مورد این روز در پارلمان انگلیس صحبت کرد و رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان نیز از آن پشتیبانی کرد.

امسال نیز ما به روال دو سال گذشته با سازمانها، تشکلهای و شخصیتهای مدافع آزادی زندانیان سیاسی تماس گرفته و از آنها دعوت کردیم در برگزاری این روز شرکت نمایند. بسیاری به این فراخوان جواب داده اند و حمایت خود را یا با برگزاری آکسیون و تجمع و یا با ارسال ایمیل حمایتی از این روز پشتیبانی کرده اند. از طریق رسانه های فارسی زبان برگزاری این روز و همچنین کلیپهای تهیه شده در حمایت از زندانیان سیاسی و کودکان زندانیان سیاسی پخش شده است و سه برنامه تلویزیونی ویژه در کانال جدید به این روز اختصاص داده شده است. تا حال در شهرهای ونکوور، برلین، آمستردام، یونشوپینگ و استکهلم در سوئد، اسلودر نورث، لندن انگلستان،

## ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی

از صفحه ۶

واشنگتن و آستن در آمریکا، سیدنی در استرالیا، به تعداد این شهرها اضافه خواهد شد. تعدادی از شخصیت‌های شناخته شده از جمله آبه ماکوتو فعال سرشناس عرصه حمایت از کارگران مهاجر و پناهجویان و نایب رییس اتحادیه مهندسان - توکیو، سارا شورد یکی از سه کوهنورد آمریکایی که در ایران دستگیر شد، پدر زانیار مرادی از این روز حمایت کرده اند. از داخل زندان نیز پیام حمایت از این روز ارسال گردیده است. کارت پستالی در حمایت از کودکان زندانیان سیاسی تهیه شده است که در بیستم ژوئن قرار است در کشورهای مختلف در دسترس مردم قرار بگیرد. تلاش ما امسال اینست که امسال مردم را با اسم و چهره تعداد بیشتری از زندانیان سیاسی آشنا کنیم. طبعاً اگر مقایسه کنیم، روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی - بیستم ژوئن برابر با سی خرداد، امسال از دو سال گذشته بیشتر شناخته شده و وسیعتر مورد حمایت قرار گرفته است. این را باید در نظر داشته

باشیم که امسال روز حمایت از زندانیان سیاسی در بحبوحه مضحکه انتخاباتی رژیم برگزار میشود و حساسیت به مراتب بیشتری دارد. رژیم از چندی پیش و از ترس اعتراضات مردم دست به احضار زندانیان سیاسی زد که در مرخصی بودند و یا حتی بعضاً آزاد شده بودند. تعدادی را دستگیر کرده است. در این شرایط اعتراضات در حمایت از زندانیان سیاسی اهمیت ویژه ای در چرخاندن توازن قوا به نفع مردم و محدود کردن رژیم در سرکوب و دستگیریهای این دوره دارد. به همین دلیل علاوه بر روز سی خرداد - بیستم ژوئن، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی یک هفته اعتراضی از دهم ژوئن الی چهاردهم ژوئن که روز انتخابات است را اعلام کرده است و از مردم خواسته است با ارسال نامه اعتراضی، امضا طومار، ارسال تویتر و کلا استفاده از میدیای اجتماعی از زندانیان سیاسی و علیه سرکوب رژیم و مضحکه انتخاباتیش اعتراض کنند.

انترناسیونال: چنانچه قبلاً اعلام کرده اید که ۲۰ ژوئن هر

که با فرزندان هفت یا هشت ماهه خود در زندان سمنان بسر میبرند. تعداد زیادی از کودکان زندانیان سیاسی بهترین ایام زندگیشان را در سالنهای ملاقات میگذرانند. میتوان تصور کرد که این کودکان در چه شرایط روحی قرار دارند. ما امیدواریم بیستم ژوئن امسال آغاز یک کار موثر در جلب توجه جهانیان به این کودکان باشد. این کودکان زندانیانی هستند که معمولاً تنهایی و رنجشان به رسمیت شناخته نمیشوند و در عین حال وقتی از ابعاد جنایت رژیم صحبت میکنیم معمولاً کمتر به وضعیت این کودکان به عنوان سند زنده جنایت رژیم پرداخته میشود. چندی پیش با دختر جوانی بنام فایزه مصاحبه داشتم، فائزه ۱۲ ساله بود که پدر و مادرش دستگیر شدند. او میگفت که در آنوقت میخواستم کسی به من بگوید که من هم مهم هستم و رنج مرا ببینند. ما امسال میخواهیم همه دنیا رنج این کودکان را ببینند و برای رهائیشان دست به کار موثرتری بزنند.

انترناسیونال: چه پیامی برای زندانیان سیاسی و برای مردم دارید؟

سرور کاردار: رابطه ما با مردم یک رابطه ارگانیک و ۲ طرفه میباشد، هم پیام میگیریم و هم پیام میدهیم. تا جایی که به پیامهای کمیته مربوط میشود، تاکید ما روی اطلاع رسانی و عدم ساکت ماندن در مقابل برخوردهای وحشیانه و غیر انسانی جانین اسلامی میباشد، زیرا که معتقدیم یک قدم اعتراضی باعث ۱۰ قدم عقب نشینی رژیم است و نه برعکس. معتقدیم که افشاگری و بلند کردن پرچم اعتراض که تبلورش در زندانها و دستگیریها دیده میشود هزینه این نوع برخوردهای خشن و غیر انسانی را برای رژیم سنگین کرده بطوری که مجبور به عقب نشینی میشود. این ادعا بارها و بارها به اثبات رسیده و به همین خاطر رژیم

سعی می کند با تهدید خانواده زندانیان سیاسی و گاهاً حتی با تطمیع این عزیزان را وادار به سکوت نماید. با تکیه به این تجربیات ارزشمند معتقدیم که مردم و به خصوص خانوادههای زندانیان سیاسی بدون واکنش باید فریاد اعتراض خود را هر چه رساتر به گوش جهانیان برسانند. ما با تمامی امکانات و توان خود به آسان کردن این نوع حرکات اعتراضی یاری میرسانیم و تمام تلاش خود را می کنیم که در مجامع سیاسی و اجتماعی جهانی صدا و بلندگوی خواستهای بر حق این عزیزان باشیم. خود زندانیان سیاسی در این راستا میتوانند روی ما حساب کنند و بدون شک تماس و ارتباط این عزیزان با جهان خارج تضمینی است برای امنیت جانی خود این عزیزان، زیرا که یک زندانی سیاسی بدون اسم و هویت یک طعمه آشکار است برای اعدام، زمانی که رژیم احتیاج به ایجاد رعب و وحشت در جامعه دارد

انترناسیونال: چه انتظاراتی از کسانی که صدای شما را می شنوند و یا این مصاحبه را میخوانند، دارید؟

سرور کاردار: اطلاع رسانی، همکاری، تقسیم تجربیات از طریق تماس با ما و تلاش در جهت درک این واقعیت که شکل و با هم بودن برای انجام هر کار جدی و مهم که در این مورد خاص مستقیماً با جان انسانها رابطه دارد ضروری و حیاتی است. این مبارزه بدون شک به پیروزی خواهد انجامید ولی با شرکت شما و سهامداری متشکل شما هزینه کمتری بر خواهد داشت. وجود حتی یک زندانی غیر قابل قبول است و به طریق اولی سکوت و بی تفاوتی در مقابل قتل‌های دولتی جمهوری اسلامی ضد انسان و انسانیت غیر قابل توجیه است. به ما بپیوندید تا طرحی نو در اندازیم.\*



©CFPI 2013

## راهی بجز انقلاب وجود ندارد

از صفحه ۲

تشکیل میدهد.

*انترناسیونال:* در بند چهار

قطعنامه ناروشنی و ابهام در مورد خواستها و مطالبات مشخص و رادیکال در جامعه یک عامل مهم نافرجام ماندن مبارزات مردم معرفی میشود. می‌توانید بگوئید مشخصا چه خواستها و مطالباتی مد نظر قطعنامه بوده است و چرا این خواستها و مطالبات تا این حد دارای اهمیت است؟

*حمید تقوائی:* این بند

قطعنامه به مساله تعیین بخشیدن به انقلاب از نقطه نظر مضمون و محتوی آن، و یا بعبارت دیگر عمق و وسعت نقد و اعتراض توده بپاخاسته مردم به وضع موجود میپردازد. همانطور که در پاسخ به سؤال قبلی توضیح دادم حزب ما همیشه بر ضرورت تعمیق نقد و اعتراض مردم تاکید داشته است.

امروز تجربه انقلابات منطقه نیز بر این امر تاکید میکند. توده مردم در مصر و تونس و لیبی علیه دیکتاتوری در این کشورها قیام کردند اما نقد و اعتراض آنان به نظام حاکم از خواست برکناری دیکتاتور فراتر رفت. البته هدف سیاسی هر انقلاب سرنگونی حکومت موجود است و در نظامهای دیکتاتوری که حکومت بوسیله یک فرد نمایندگی میشود انقلاب، به درست، فرد دیکتاتور را نشانه میگیرد. اما اینجا بحث بر سر هدف فوری انقلاب نیست بلکه بر سر تلقی و درک عمومی جامعه از برکناری دیکتاتوری است. سؤال اینست که در درک و تلقی عمومی توده مردم بپاخاسته تا چه حد مخالفت با دیکتاتور به نفی سیاستها و عملکردهای نظام دیکتاتوری - نقد و نفی اعدام و شکنجه، زندانی کردن مخالفین و پدیده زندانی سیاسی، فقدان آزادیهای سیاسی، مخالفت با نیروهای مسلح و ارگانهای سرکوبگر دولتی، بوروکراسی و فعال میاشائی ماشین دولتی و تصمیم گیری از

بالای سر مردم و غیره و غیره- ترجمه و معنی میشود. در تجربه مصر مردم توانستند در مدت کوتاهی مبارک را برکنار کنند اما نقد و اعتراضی به مجازات اعدام، دخالت مذهب در دولت، بیحقوقی زنان، و حتی به ارتش و ژنرالهای همدست مبارک نظیر طنطاوی نداشتند. و این یک نقطه ضعف اساسی انقلاب مصر بود. نه به دیکتاتور باید به نه به کلیت نظام دیکتاتوری ترجمه بشود. انقلاب باید عمیقاً زمین را شخم بزند و نظام دیکتاتوری را از ریشه در آورد و به همین دلیل اشاعه نقد ریشه ای وضعیت موجود نقشی حیاتی در پیشروها و پیروزی نهائی یک انقلاب ایفا میکند. ما همیشه گفته ایم که انقلاب یک جنبش سلبی است، حرکتی علیه نظام حاکم و در نقد و نفی وضعیت موجود است و نقطه عزیمت قطعنامه هم همین است. اما نکته مهم اینست که این حرکت سلبی و انتقادی تا چه حد عمیق میشود و کل نظام را هدف قرار میدهد. من قبلاً و در نوشته های دیگری حول همین مساله "تعمیق نه مردم" موضوع مخالفت نیروهای اپوزیسیون با جمهوری اسلامی را مثال زده ام که ظور هر جنبش و نیروی اپوزیسیونی بر اساس نقد و اعتراضی که به وضع موجود دارد تلقی خودش را از سرنگونی - و یا براندازی و یا استحاله - حکومت در جامعه رواج میدهد. ملی اسلاميون محدود کردن و یا حداکثر کنار زدن ولی فقیه را کافی میدانند چون میخواهند کل نظام جمهوری اسلامی را از زیر تیغ خشم مردم بدر ببرند و نیروهای سلطنت طلب و ناسیونالیست و یا سازمانی نظیر مجاهدین نیز با برکناری "آخوندها" به مشروطه شان میرسند چون هدفشان حفظ نظام سرمایه منهای "حاکمیت آخوندی" است. روشن است که این نوع مخالفتها با وضع موجود در واقع انعکاس نقد سطحی و نازل جنبش ناسیونالیستی و ملی-اسلامی به جمهوری اسلامی است که به درد و مصائب و در نتیجه نقد

و اعتراض توده محروم مردم مطلقاً ربطی ندارد.

با این همه همین نوع مخالف خوانهای نیم بند در شرایط انقلابی و به کمک دولتها و رسانه ها رسمی بورژوازی بجلو صحنه رانده میشوند و کنترل اوضاع را در دست میگیرند. آخرین نمونه اخوان المسلمین و شخصی مانند موری در مصر است که گرچه در تمام مدت انقلاب مصر در پیاده روهها نظاره گر اوضاع بود و بعد هم در کنار طنطاوی و ارتش مصر قرار گرفت، امروز بعنوان نماینده انقلاب زمام امور را در دست گرفته و در برابر مردم مصر از نظام به ارث رسیده از مبارک دفاع میکند. نباید اجازه داد چنین سناریویی در ایران تکرار بشود و یک عامل مهم در ممانعت از این امر اشاعه خواستههای رادیکالی نظیر جدائی مذهب از دولت و لغو مجازات اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و محاکمه همه مسئولین و آمرین و عاملین سیاستهای سرکوبگرانه رژیم ساقط شده و لغو همه قوانین ارتجاعی و انحلال نیروهای مسلح و نهادهای سرکوبگر رژیم و غیره است. نه تنها جامعه باید به این خواستها و اهداف مسلح بشود و بلکه همانطور که بالاتر توضیح دادم حول این خواستها و شعارها باید جنبشها و حرکتی اعتراضی و تشکلهای و نهادهای مبارزاتی پا بگیرند و به فضای سیاسی جامعه شکل بدهند. این یکی از ارکان مهم تقویت صف انقلاب در ایران است.

*انترناسیونال:* در این قطعنامه بجز جمهوری اسلامی، طیفی از دولتها و نیروهای ارتجاعی و نیروهای اپوزیسیون راست، سد و مانعی برای انقلاب معرفی شده اند، این نیروها تا چه میزان می توانند در سرنوشت انقلاب و آینده جامعه ایران تاثیرگذار باشند؟

*حمید تقوائی:* در

صورتیکه نیروهای چپ و انقلابی به نحو پیگیر و هم جانبه ای با کل نیروهای راست مقابله نکنند احتمال

تاثیر گذاری این نیروها بر تحولات بسیار بالا است. باید توجه داشت که همانطور که در قطعنامه تصریح شده دولتها و نیروهای بورژوازی در سطح جهانی و در منطقه - از دولتهای غربی گرفته تا روسیه و ترکیه و عربستان و نیروهای رنگارنگ قومی - مذهبی وابسته با آنها- نظاره گر حوادث و تحولات سیاسی در ایران نخواهند بود بلکه با تمام قوا در این تحولات دخالت خواهند کرد. یک وظیفه مهم یک حزب انقلابی نظیر حزب ما اینست که جامعه را در برابر این نیروها که معمولاً در شرایط انقلاب تحت عنوان و با ظاهر دفاع از مردم و انقلاب بمیدان می آیند، مصون کند. سیاستها و سناریوهائی نظیر استحاله و تغییر تدریجی رژیم - که معمولاً در زیر لوای دموکراسی پناهی و دفاع از حقوق بشر صورت میگیرد- و یا دفاع از تمامیت ارضی و خاکپرستی و پرچم پرستی، و از سوی دیگر فدرالیسم و قومیگرایی تحت لوای دفاع از منافع اقلیتهای مذهبی و قومی در "کشور کثیرالملله ایران"، همه و همه از جمله تقلاهای نیروهای راست در سالهای اخیر بوده است. باید فعالانه در برابر این نوع سیاستها ایستاد، تناقض آن را با منافع توده مردم نشان داد و این نوع تمیهدات را افشا و خنثی کرد. در شرایط فعلی این نوع سیاستها جایگاه چندان در میان توده مردم ندارد ولی در شرایط تحولات انقلابی این سیاستها با اتکا به تعصبات مذهبی و قومی میتواند در جامعه نفوذ و مقبولیت پیدا کند.

باید توجه داشت که مذهب و ناسیونالیسم و قومگرایی جزئی از فرهنگ طبقه حاکمه و در نتیجه جزئی از فرهنگ رایج در همه جوامع سرمایه داری و از جمله در جامعه ایران است و زمینه رشد نیروهای اپوزیسیون راست در جامعه را نیز همین تعصبات قومی و ملی و مذهبی رایج در میان مردم فراهم میکند. این فرهنگ و گرایشات ارتجاعی را تنها میتون با توسل به



## راهی بجز انقلاب وجود ندارد

از صفحه ۸

نیازها و خواستها عمیقا انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده مردم خنثی کرد و به عقب راند. از این نقطه نظر نیز تعمیق نقد و اعتراض مردم به کل وضعیت موجود و سازماندهی و معماری آگاهانه جنبشها و نهادها و تشکلهای و نهادها و جنبشهای اعتراضی حول این نقد رادیکال و عمیق جایگاه تعیین کننده ای در تقویت صف انقلاب ایفا میکند.

*انترناسیونال* بند ۶ قطعنامه درباره نقش جنبش کارگری در رادیکالیزه شدن اعتراضات، صیحت می کند. لطفا در مورد دلایل این امر توضیح بیشتری بدهید. بنظر شما در حال حاضر و یا در آینده نزدیک طبقه کارگر ایران تا چه حد می تواند این نقش را در تحولات سیاسی آینده ایفا کند؟

**حمید تقوایی:** به نظر من نفس وجود يك جنبش کارگری فعال، گسترده و چپ و رادیکال در جامعه سد محکمی در مقابل اعمال نفوذ نیروهای راست محسوب میشود. ناگفته پیداست که عروج جنبش کارگری زمینه را برای عقب راندن نیروها و سناریوهای راست و رشد و اشاعه سیاستها و اهداف کمونیستی فراهم میکند و این بنویه خود مهمترین عامل در تضمین پیشروی و پیروزی انقلاب است. انقلابی را که جنبش کارگری و کمونیستی در آن فعال و مطرح باشد براحتی نمیتوان به خون کشید و یا از بالا برایش رهبر تراشی و دولسازی کرد.

واقعیت اینست که در عصر ما هر انقلابی از نظر مضمون و محتوی عینی خود حرکتی علیه نظام سرمایه داری است. باعث و بانی دخالت مذهب در دولت و قوانین، و بقدرت رسیدن حکومتهاى مذهبی نظیر جمهوری اسلامی و یا تحمیل بیحقوقی مفرط بر زنان و همه مصائب شبه قرون وسطائی که بر

جامعه ایران - و دیگر کشورهای اسلامزده - تحمیل شده دیگر نه نظامهای فئودالی بلکه سرمایه داری عصر حاضر است. ممکن است بسیاری از جنبشهای اعتراضی و فعالین مبارزه علیه جمهوری اسلامی بر این واقعیت واقف نباشند - نیروهای راست نظیر ملی اسلاميون و سلطنت طلبها تمام کوششان پنهان کردن این واقعیت از چشم توده مردم است - اما درجه آگاهی و یا ناآگاهی جامعه در این واقعیت هیچ تغییری نمیدهد که توحش و جنایات جمهوری اسلامی در نظام سرمایه داری - یا بعبارت بهتر در استیصال طبقه سرمایه دار ایران در مقابل انقلاب پنجاه و هفت - ریشه دارد.

يك نتیجه و معنی سیاسی این واقعیت نقش و جایگاه طبقه کارگر و جنبش کارگری در تحولات سیاسی در ایران - و کلا در سیر و سرنوشت انقلابات عصر ما - است. روشن است که تنها طبقه کارگر نیست که از سلطه سرمایه داری در رنج است و این نظام را نمیپذیرد، بلکه بخش اعظم جامعه منفعتی در استثمار و سودپرستی سرمایه داری ندارد و بدنبال راه حلی برای خلاصی از ستمها و تبعیضات و بیحقوقیهای رایج در جوامع سرمایه داری است. راه رهایی را طبقه کارگر و جنبش کمونیستی این طبقه نمایندندگی میکند و لذا اکثریت عظیم مردم - توده مردمی که در جنبش اشغال با شعار ۹۹ در صد در برابر يك درصد نمایندندگی شدند - بالقوه میتوانند در کنار مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری قرار بگیرند. ازینرو طبقه کارگر از این زمینه اجتماعی برخوردار است که به نمایندندگی پرچمدار خواستهای آزادیخواهانه بخشهای مختلف مردم تبدیل شود.

در مورد بخش دوم سئوالتان مبنی بر نقش طبقه کارگر در تحولات سیاسی آتی باید بگویم که در تمام دوران حاکمیت جمهوری

اسلامی ما شاهد تحرك جنبش کارگری و گسترش بیسابقه اعتصابها و اعتراضات کارگری بوده ایم و میتوان انتظار داشت که با اوج گیری مبارزات توده ای، اعتصابات و مبارزات کارگری نیز وسعت و عمق بیشتری پیدا کند. فی الحال در مقابله با موج وسیع گرانی و بیکاری و فقر و فلاکتی که در جامعه بیداد میکند جنبش کارگری بسیار فعال بوده است و این شرایط مساعدی را برای عطف توجه کل جامعه به جنبش کارگری و رشد نفوذ رهبران و تشکلهای این جنبش در کل جامعه فراهم کرده است. در شرایط حاضر نهادها و چهره های جنبش کارگری نه تنها در مبارزه برای مطالبات مشخص کارگران - نظیر افزایش دستمزدها و یا حذف پیمانکاران و قراردادهای موقت کار و غیره، بلکه در عرصه های مختلفی نظیر جنبش دفاع از حقوق کودکان و یا دفاع از زندانیان سیاسی نیز فعال و شناخته شده هستند. اینها اولین گامهای عملی طبقه کارگر برای ایفای نقش هژمونیک است که در بالا به آن اشاره کردم. باید تلاش کرد که این روند ادامه پیدا کند و از هر جهت عمیقتر و گسترده تر شود.

*انترناسیونال* بعنوان آخرین سئوال مشخصا چه نقشی برای حزب در تحولات سیاسی قائل هستید. در بند هشت قطعنامه از حزب بعنوان يك "پدیده و فاکتور سیاسی مهم در تحولات جامعه" یاد شده است. آیا این نقش بخاطر در دستور قرار دادن و پیاده کردن سیاستهایی است که در این قطعنامه توضیح داده شده است و یا کلا به جایگاه استراتژیک حزب کمونیست کارگری اشاره دارد؟

**حمید تقوایی:** نکته بر سر اهمیت در خود وجود حزب بعنوان يك پدیده سیاسی در جامعه است. روشن است که حزب بعنوان نیروی فعاله پیشبرد خط و سیاست و وظایف بیان شده در قطعنامه میتواند و باید نقش مهمی در شکل دادن به تحولات سیاسی در ایران ایفا کند اما نکته مهمتر نفس وجود حزب است. همانطور که در قطعنامه

توضیح داده شده "نفس حضور و وجود يك حزب کمونیست انقلابی به معنی برخورداری توده مردم و کمپ انقلاب از يك آلترناتیو حکومتی است که میتواند در برابر بالانیهها و دولتهای دست ساز آنها قدرت خیابان و انقلاب، قدرت مردم متشکل در شوراهای و عروج تشکلهای نوع شورائی بعنوان دولت را نمایندندگی کند." در انقلابات منطقه چنین نیروی وجود نداشت و لذا طبقه کارگر و توده مردم با وجود نقش تعیین کننده ای که در سرنوشت حکومتهاى دیکتاتوری داشتند نتوانستند حکومت را در دست بگیرند. انقلاب ۵۷ ایران نیز دقیقا به همین سرنوشت دچار شد. اما امروز در جامعه ایران چنین نیروی انقلابی وجود دارد. حزب ما به شهادت کل تاریخ و سابقه مبارزاتی اش این خصوصیت و قابلیت را دارد که به آلترناتیو حکومتی اردوگاه انقلاب تبدیل شود. البته باید با تمام توان برای رسیدن به این موقعیت تلاش و مبارزه کرد اما مساله امروز ایران بر خلاف انقلاب ۵۷ ایران و انقلابات اخیر در منطقه، نه غیبت و عدم حضور چنین نیروی بلکه عروج سیاسی و اجتماعی آن به موقعیت رهبر و سازمانده و آلترناتیو انقلاب در برابر کل نیروهای راست در حکومت و در اپوزیسیون است. خط و جهت و سیاستهای بیان شده در قطعنامه حاضر جزئی از تلاش حزب برای رسیدن به چنین موقعیتی به شمار می آید.

جنبه دیگر نمایندندگی انقلاب و سرنوشتی کل نظام جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب است. حزب ما در این جهت گامهای بلندی بجلو برداشته است. در زمانی که چندان دور که همه نیروهای اپوزیسیون، حتی آنانکه خود را چپ و انقلابی میدانستند، در ایران و در سراسر جهان از انقلاب روی برگردانده بودند و به زبانهای مختلف اعلام میکردند که دوره انقلابات گذشته است و باید به شیوه های دیگر - رژیم چنج و بحران آفرینی در مرزها و نافرمانی مدنی و غیره - متوسل شد، حزب ما قاطع و پیگیر

بر ضرورت و مطلوبیت وامکانپذیری انقلاب بعنوان تنها راه واقعی رهایی توده مردم پای فشرد و پرچمدار و نوید دهنده انقلاب در برابر کل نیروها راست ضد انقلابی و چپ دست شسته از انقلاب بود. امروز خوشبختانه به یمن تحولات انقلابی منطقه انقلاب دوباره به گفتمان عمومی در نزد نیروهای چپ و مدیای اجتماعی و حتی رسانه های رسمی و نیمه رسمی تبدیل شده است. امروز دیگر بحث نه بر سر ضرورت و مطلوبیت انقلاب بلکه راههای تقویت و پیشروی و به پیروزی رساندن آنست و حزب ما در این زمینه نیز در صف مقدم نیروهای انقلابی قرار گرفته است.

و بالاخره جنبه سوم نقش حزب عبارتست از نمایندندگی کردن خواستها و اهداف رادیکال و عمیقا انسانی کارگران و توده مردم در برابر کل کمپ راست - دولتهای غربی، دولتهای منطقه و نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوائی. این بسیار مهم است که در هیاهویی که این نیروها حول "دموکراسی" و "حقوق بشر" و تمامیت ارضی و پرچم و نیاکان و افتخارت باستانی و تعصبات قومی و ناسیونالیستی و مذهبی به راه میاندازند يك نیروی چپ و انقلابی وجود داشته باشد که به خواستها و نیازها و تمایلات عمیقا انسانی و جهانشمول همه مردم مستقل از ملیت و مذهب وقوم و قبیله ای که به آن منسوبشان کرده اند، رجوع کند، به آن سوسیالیسمی رجوع کند که بقول منصور حکمت در درون هر انسان شریفی نهفته است، و به این ترتیب پرچمدار همبستگی و اتحاد و قدرت متشکل کل توده های شریف مردم در برابر کل نیروهای ارتجاعی باشد. در این ظرفیت نیز حزب ما جایگاه ویژه و برجسته ای در شرایط سیاسی امروز ایران دارد.

ابراز وجود هر چه بیشتر و فعالتر حزب در این ظرفیتهای مهمترین عامل تقویت و تدارک زمینه های شکل گیری يك انقلاب پیروزمند در شرایط سیاسی ایران است.\*

## بیمه زنان خانه دار

### فرح صبری

بیمه‌ی زنان خانه‌دار در هفته‌های اخیر دوباره به تیتتر سایتهای دولتی برگشت. لایحه‌ای که در ۶ سال اخیر تنها خبرش آمده و رفته و از این همه جلسات نهادها و کمیته‌های جورواجور که تظاهر میکنند می‌خواهند بهبودی در وضعیت اسفناک زنان ایجاد کنند هیچ سودی برای آنان نداشته است. و نه تنها کوچکترین بهبودی در زندگی زنان داده نشده است بلکه شرایط آنها هر روز بدتر از روز قبل میشود و زندگی میلیونها انسان در زیر سایه‌ی منحوس جمهوری اسلامی به فقرا کشیده میشود.

رئیس مرکز امور زنان در گفتگو با خبرگزاری فارس گفت: "بیمه زنان خانه دار در جلسه ستاد ملی زن و خانواده تصویب شد و تصمیم گرفتیم تا در سال ۹۲ بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر تحت پوشش بیمه زنان خانه‌دار قرار گیرد" همچنین وی ادامه میدهد: "در ابتدا طرح بیمه زنان خانه‌دار به دلیل داشتن بار مالی از طرف شورای نگهبان رد شده است که خوشبختانه با تامین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای آن وارد مراحل اجرایی آن شدیم".

شش سال است که این لایحه را در راهروهای مجلس و دولت و شورای قناره‌بندان بالا پایین می‌برند که ببینند چگونه میتوانند بدون کم شدن از لفت و لیس هایشان آنرا تصویب کنند. قطعاً این لایحه هم مانند بسیاری از طرحهای اینجینی ذره‌ای از درد کسی را دوا نمی‌کند و تنها محملی است برای ادارات مربوطه تا با سند سازها و تقلب بودجه‌ای را بگیرند و بالا بکشند و تحت عنوان کمک به مردم سر و صدای تبلیغاتی راه بینازند.

تازه هنوز مرکب طرح خشک نشده که تبصره‌های در رفتن از زیر آن را مطرح میکنند. خانم مجتهد زاده ادامه میدهد: "برای اجرایی شدن بیمه زنان خانه‌دار ۷ مدل پیشنهاد شده است که در آن صندوق بیمه روستاییان و عشایر نیز گنجانده شده است که با

توجه به درآمدزایی این صندوق‌ها بتوانند سهم قابل توجهی از حق بیمه زنان خانه‌دار را پرداخت کنند".

براستی که این رئیس فاطمه کماندوها مردم را مثل خودش احمق فرض کرده که این خزعبلات را سرهم میکند. طرحی که از ابتدای اجرائش به صندوق‌های معلوم الحالی مثل "صندوق روستایی و عشایری" محول شود دیگر باید تا ته آن را خواند چرا که صندوقی که به آن اشاره میکند در ابتدا قرار بود یک تعاونی باشد که روستاییان و عشایر سهام دار آن بودند و پولی را هم پرداخته بودند تا در عوض بتوانند کود و سموم و علوفه و این قبیل کالاها را به قیمت دولتی دریافت کنند. این صندوق سالهاست دیگر نه برکتی برای سهامدارانش داشته و نه خودش چندان رونقی دارد و اکثر کشاورزان و عشایر هم از آن قطع امید کرده‌اند. و حالا وقتی قرار باشد این صندوق پشتیبان طرح پرمطراق بیمه زنان خانه‌دار باشد معلوم است که این طرح چقدر تو خالی و پوچ است.

تازه این یکی از آن ۷ مدلی بوده که با افتخار از آن حرف زده‌اند باقی مدلهای دیگر خجالت کشیدند با آن اشاره کنند. و آنوقت بعد از همه اینها می‌خواهند مشمولان طرح را شناسایی کنند! که این نهایت بیشرمی این جانیان را نشان میدهد در شرایطی که هزاران زن به عنوان تحت پوشش بهزیستی و کمیته دزدان امام تنها ماهیانه ۲۵ تا ۴۵ هزار تومان دریافت میکنند و در فقر غوطه می‌خورند این جانیان می‌خواهند چراغ بگیرند تا چشمان کورشان مشمولان بیمه را ببیند.

زنان بسیاری تحت عنوان خانه‌دار از بیحقوقی مطلق رنج می‌برند در حالیکه کمتر زن خانه‌داری را میتوانی سراغ داشته باشی که به جز کار بیمزد خانگی به کارهای دیگری مثل کارهای کشاورزی و خیاطی و آرایشگری و تولیدی و... در خانه مشغول نباشند. اما همچنان به عنوان خانه‌دار مطرح میشوند چرا که هیچ کدام از این

مشاغلی که در خانه انجام میشود از هیچ نوع بیمه‌ای برخوردار نیست و مزد بسیار پائینی دارند. زنان زیادی در آرایشگاهها کار میکنند و گاه به ازای ۱۰ ساعت کار از ۴۰ تا ۱۵۰ هزار تومان. بسته به مهارتی که داشته باشند. حقوق میگیرند و هرگز بیمه نمیشوند و البته همین وضعیت را در خیاط‌خانه‌ها و فروشگاهها و حتی رستورانها و بسیاری از کارهای دیگر داریم. مشاغلی که جایی ثبت نمیشود.

محمد رضا رحیمی از ستاد ملی زن و خانواده میگوید: تلاش میکنیم برخی از جلسات شورای عالی اشتغال را به موضوع توانمند سازی، کارآفرینی و اشتغال زایی زنان اختصاص دهیم تا ضمن ایجاد فرصتهای شغلی برای بانوان گامی در جهت بهبود وضعیت معیشتی تقویت بنیه اقتصادی خانواده برداریم. البته جناب رحیمی منظورش تلاشی است که در جهت استفاده بهینه از بیحقوقی زنان در جامعه انجام میشود و همواره تلاش میکنند به صاحبان سرمایه را با استفاده از وضعیت اسفناک زنان، سود بیشتری برسانند. رسالتی که تمام دم و دستگاه حکومت ننگینشان بر دوش دارند. و البته منظور از کارآفرینی و اشتغال زایی آن

است که تسهیلاتی را تحت عنوان کارآفرینی به یکی از بغل دستی‌های خودشان میدهند تا با راه انداختن کارگاهی وبا بکار گرفتن زنان و دختران بیکار بساط استثمار فوق سودی را راه بیاندازند. و در بیشتر موارد از بیمه کردن کارگران و پرداخت حداقل حقوق نیز طفره میروند. دختر جوانی را میشناسم

که در نوزده سالگی بیوه شده بود و در یک کارگاه تولیدی پوشاک کار میکرد و میگفت بعد از هفته‌ها که کار کرده بود وقتی حقوقش را طلب کرده بود جناب کارفرما تنها ۴۰ هزار تومان به او داده بود و وقتی اعتراض کرده بود به او گفته بود "میخواستی در خانه بنشین و افسردگی بگیرد آمدی اینجا سرت گرم بوده و فکر و خیال نکردی". این دختر جوان میگفت که این کارفرما تعداد زیادی از زنان را با همین مبالغه به کار میکشید و تحت عنوان "کارآفرین" با وی در صدا سیما مصاحبه میکردند و به عنوان "زن کارآفرین موفق" به او جایزه دادند.

دردهای نهفته در جامعه‌ای که سرمایه‌داران کثیف اسلامی حکومت کنند پایانی ندارد و دیگر بر همه عیان



شده است که از دیگ این دزدان غارتگر آبی برای مردم گرم نمیشود در حالیکه همین امور اگر به دست مردم و شوراهایشان میخواست اجرا شود به سادگی قابل حل بود و اینهمه کش و قوس هم نداشت و احتیاجی به آسمان ریسمان بافتن هم نبود. ثروتی که قرار باشد در جهت رفاه جامعه خرج شود براحتی در اختیار مردم قرار میگیرد و همه زنان میتوانند از بیمه و خدمات اجتماعی و رفاهی برخوردار شوند. از همین رو تنها راه برای نجات زندگی میلیونها انسان ستمدیده جارو کردن بساط جانیان اسلامی است و بدست گرفتن زمام امور به دست شوراهای مردم و بر پایی یک دنیای بهتر میباشد.\*

## حمله جمهوری اسلامی به سایت حزب کمونیست کارگری

اسلامی به سایت حزب و روزنه و دیگر سایت‌های جریان‌ات اپوزیسیون را محکوم میکنیم. هر اندازه که این اقدام ضعف و زبونی رژیم را نشان میدهد به همان اندازه حکایت از نفوذ کلام و حقانیت ما و همه مبارزان آزادی و برابری در بین مردم ایران دارد.

دبیرخانه حزب کمونیست کارگری ایران

معاند جمهوری اسلامی نمی‌توانند هیچ دخالتی در حضور حداکثری در انتخابات داشته باشند. آیا همین اعترافی به این نیست که جمهوری اسلامی و انتخاباتش چنان رسوا و آبروباخته است که تنها با توسل به چماق تهدید و اختناق و سانسور و حک کردن سایتهای اپوزیسیون امیدوار است آنرا از سر بگذراند؟ ما حمله زبونانه جمهوری

صبح امروزهک‌های جمهوری اسلامی به سایت حزب کمونیست کارگری ایران حمله کردند. عبارتی که اوپاش سایبری جمهوری اسلامی بر سایت حزب و همینطور سایت روزنه و سایت‌های برخی دیگر از جریان‌ات اپوزیسیون گذاشتند بهتر از هر چیز استیصال و وحشت رژیم و مسخره بودن نمایش انتخابات ریاست جمهوری اش را منعکس میکنند: "سایتهای

## کفتاران روز و خفاشان شب

### یاشار سهندی

"هیچ کس از تقدیر الهی در روز جمعه خبر ندارد" البته به جز خامنه‌ای که گویا از طریق امام زمان با خود خدا تماس دارد! خامنه‌ای در آخرین اظهاراتش از روند انتخابات حکومت منفوروش اظهار رضایت فرموده است. این دیگر کاملاً محرز است هر چه نظر آقا باشد همان میشود. اما رسانه های حکومت و رسانه‌هایی مانند بی بی سی و صدای آمریکا با بخش برنامه‌های ویژه انتخاباتی با تفسیرهای آنچنانی از سوی کارشناسانی آنچنانی تر اوضاع را چنان جلوه میدهند که هیچ چیز معلوم نیست و گویا بهرحال انتخاباتی در کار است که رای مردم هم در آن موثر است. البته اگر این وسط کسی "جرزنی" نکند! مناظره های تلویزیونی کاندیداهای

حکومت تصویر تمام عیار از نکبت جمهوری اسلامی بود. بحث و جدلهای میان يك مشت تبهکار که کمر همت بسته اند تا مردم ایران را به روز سیاه بنشانند. کاندیداهایی که هر کدامشان به این افتخار میگردند که در دستگاه سرکوب و از هم نپاشیده شدن نظام، نقش مهم تری داشته اند. هر کدام سعی میکرد به خودش مدال افتخار بدهد که تصمیمات و نظرات نقش بهتری در جنایات رژیم داشته است و قرار است آقا او را برگزیند تا سرکوبگری حکومت تضمین داشته باشد. اینکه اینها آلت دست آقا باشند یا از خود استقلال رای داشته باشند، هیچ توفیری در قضیه نمی کند. قرار نیست قدمی در جهت رفاه و آسایش مردم برداشته شود. قرار نیست آزادی سیاسی برقرار باشد بلکه تصمیم بر این است که

حکومتی که بر کشتار و شکنجه استوار است تداوم یابد. اما با این وجود در همین چند روز با وجود همه پیش بینی ها، که مبادا مردم از این وضعیت استفاده کنند و به خیابان بیایند در مراسمات برخی کاندیداها (روحانی و قالیباف) شاهد بودیم که جمعیت یکصدا "آزادی زندانی سیاسی" را فریاد زدند یا جلوی چشم محسن رضایی (سررداری که دستش به خون بسیاری آلوده است) پلاکاردی توسط زنی جلو دوربینها بالا برده شده بود که بر آن نوشته بود: "زن = انسان، مرد = انسان، انسان = انسان" اینها جلوه ای از خواسته واقعی مردم بود که با وجود همه محدودیتها با جسارت تمام مطرح شد. افتخارات همه کاندیدا های حکومت این است که تا چه حد توانسته اند جلو بیان این خواسته

ها را با خونریزی و اعدام بگیرند. کاربدست این حکومت بودن (بعد از زهد و تقوا اسلامی!) یعنی باید توانسته باشی عملاً ثابت کرده باشی و تا چه اندازه توان آنرا داری که مطالبات انسانی مردم را بکوبی و نگذاری مطرح شود. مشکل این کاندیداها نه در نداشتن برنامه اقتصادی روشن بلکه در این است که هر کدام باید ثابت کنند که چه برنامه روشنی برای سرکوبگری دارد و چقدر در این زمینه همگی پر تجربه هستند. اختلافات آنها که روز بروز دامنه وسیعتری میگیرد نه بخاطر این است که این قاتلان "تغییر" کرده اند و گویا هر کسی تغییر میکند! بلکه بدین خاطر است فشار مردم روی این حکومت چنان زیاد است که حتی جلو دوربین سیمای جمهوری اسلامی نمی توانند جلو خودشان را بگیرند. فشار مردم را میتوان در انعکاس شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد و پلاکاردی دید که خواستار

برابری زن و مرد بعنوان انسان میشود. دست الهی سی و چند سال پیش از آستین حکومت امام زمانی بیرون آمده و تقدیر مردم را با کشتار رقم زده است و قرار نیست روز جمعه ۲۴ خرداد چیزی دیگری را رقم بزند. هر چقدر رسانه های بورژوازی سعی کنند این خونریزان بی رحم تاریخ را بزرگ کنند چیزی از ماهیت واقعی آنها کم نمی کند و فقط ننگ را برای این رسانه ها میخورد. تقدیر الهی را نمایندگان و بندگان خوب خدا تعیین میکنند که کفتاران روز و خفاشان شب هستند. بندگان که با چماق و چاقو و گلوله و طناب دار، زهد و تقوای الهی شان را هواره ثابت کرده اند. اما تقدیر مردم را خود مردم باید تعیین میکنند و این را با سرنگون کردن حکومت جمهوری اسلامی که جرثومه فساد و تباهی است، انجام خواهند داد و قدم بزرگی برای بدست گرفتن سرنوشت خود خواهند داشت.\*

## تشکر پدر کبری رحمانپور از همه کسانی که برای آزادی دخترش تلاش کردند!



مطرح کردن موضوع زندگی کبری و جلب توجه افکار عمومی به این موضوع جان فرزندم را نجات دادند همیقا تشکر میکنم. ما در این ۱۳ سال در حلقه محبت کسانی بوده ایم که تلاش کردند بهر طریق ممکن این مشکل را حل کنند ما از کسانی که به کبری لطف کرده و در این روزهای آخر نیز از خیرینی که با پرداخت وثیقه، کاری کردند که کبری از زندان پا به دنیای بیرون گذاشته و به آغوش ما برگردند تشکر را داریم.

پدر کبرا رحمانپور  
۱۰ ژوئن ۲۰۱۳

پدر کبری رحمانپور در يك پیام تشکر از همه کسانی که در ۱۳ سال اخیر در کنار این خانواده بوده و در ایران و یا در سطح بین المللی برای نجات جان کبری تلاش کرده اند تقدردانی کرد و گفت: فرزند ما در خطر اعدام بود و بسیاری به یاری ما شتافتند فعالیتها چنان شد که من و خانواده ما در حلقه محبت مردم بودیم و بارها این محبت ها را دیده و لمس کرده و دیدیم که مردم چه قلب بزرگی دارند. از روانشناس کبری، از وکیل کبری و از رسانه ها، از نهادهای حقوق بشری و از کسانی که با

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## جانیان اسلامی بهنام ابراهیم زاده را به زندان بازگرداندند

### با کارزاری جهانی برای آزادی بهنام و همه کارگران زندانی تلاش کنیم

۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی فرصت مهمی است که میتوانیم با کارزاری جهانی برای آزادی بهنام و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی فشار بیاوریم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۹ خرداد ۹۲، ۹ ژوئن ۲۰۱۳

شهلا دانشفر  
Shahla\_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش،

Bahram.Soroush@gmail.com  
http://free-them-now.blogspot.com

باشیم. به هر شکل که میتوانیم برای آزادی بهنام ابراهیم زاده تلاش کنیم. در محکومیت این اقدام جنایتکارانه رژیم و بازگرداندن وی به زندان طومارهای اعتراضی تهیه کنیم. به سازمان جهانی کار که هم اکنون کنفرانس سالانه اش در ژنو در جریان است و رژیم اسلامی نیز از جمله هیات‌های شرکت کننده در این اجلاس است، فشار بیاوریم و با اعتراض به مداخلات آن با رژیم اسلامی، خواهان حمایت وسیع جهانی در محکوم کردن سرکوبگری های رژیم اسلامی و آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان شویم.

از دست داده است. این اقدام جنایتکارانه رژیم اسلامی نه تنها شکنجه و فشاری بر روی بهنام، بلکه بر روی نیما فرزند بیمار او و همسرش زبیده حاجی زاده است. بهنام باید فوراً از زندان آزاد شود. بهنام باید کنار فرزندش نیما باشد.

بهنام ابراهیم زاده بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران و حقوق کودک به ۵ سال زندان محکوم شده است و به این جرم از سال ۸۹ تا کنون در زندان است. با تمام قوا برای آزادی فوری بهنام ابراهیم زاده تلاش کنیم. صدای بهنام، صدای نیما و صدای این خانواده در سطح جهانی

جانیان اسلامی بهنام را به زندان بازگرداندند، در حالی که نیما تنها فرزند او بدلیل ابتلاء به بیماری سرطان بستری است و پزشکان معالجش بر ضرورت وجود وی در کنار فرزند بیمارش تاکید گذاشته اند و این را حتی پزشکی قانونی رژیم نیز تاکید کرده است. بعلاوه اینکه خود بهنام نیز در مدتی که به مرخصی آمده بود، فرصت معالجه و درمان بیماریهایی که زیر شکنجه رژیم اسلامی در زندان به آنها مبتلا شده است، را پیدا نکرد. بهنام بخاطر شکنجه های زندان از درد گوش و گردن رنج میبرد و ۷۵ درصد شنوایی گوش چپ خود را

اطلاعیه شماره ۱۰۸



بهنام ابراهیم زاده از فعالین شناخته شده کارگری و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک امروز بعد از ظهر ۱۹ خرداد به زندان بازگردانده شد.

## صدور قرار ۴ میلیون تومانی برای رضا شهابی و بازجویی از همسر وی!

فروردین علیرغم پایان نیافتن معالجاتش به زندان بازگردانده شد. آخرین خبرها حاکی از وضعیت بد جسمی او در مدت بازگشتش به زندان است. وسیعاً فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری و زندانیان سیاسی را محکوم کنیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی از زندان شویم. رضا شهابی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

۲۰ خرداد ۹۲، ۱۰ ژوئن ۲۰۱۳

بازجویی قرار گرفت. در این بازجویی ربابه رضایی برای انعکاس شرایط همسر زندانی خود مورد بازخواست قرار گرفت و در جواب این بازخواست‌ها عنوان کرد که او تنها به تماس هایی که در رابطه با احوال پرسى همسرش بوده است، جواب داده است.

این گزارش نشانگر فشار رژیم اسلامی بر روی فعالین کارگری زندانی و خانواده‌های آنانست. رضا شهابی بدلیل وضعیت وخیم جسمی اش از زندان مرخص شده بود و در ۲۶

به گزارش منتشر شده از سوی کمیته دفاع از رضا شهابی روز شنبه ۱۹ خرداد، مقامات اسلامی رضا را به شعبه ی ۴ بازپرسی دادسرای اوین برده و به او اعلام کرده اند که از آنجا که در مدت مرخصی اش از زندان ۱۲ روز غیبت داشته است، برای او ۴ میلیون تومان جریمه صادر کرده اند. در رابطه با این موضوع رضا شهابی پاسخ داده است که او غیبتی نداشته و مأموران امنیتی و دادستانی طی تماس‌های تلفنی به وی گفته بودند که هر وقت قرار شد به زندان بازگردد، آنها خودشان زنگ خواهند زد تا مراجعه کند و خود را معرفی نماید و او نیز بر همین اساس عمل کرده است.

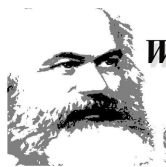
بنا بر همین گزارش چند روز قبل ربابه رضایی، همسر رضا شهابی، به اداره ی پیگیری وزارت اطلاعات احضار شده و مورد

اطلاعیه شماره ۱۰۹

FREE THEM NOW  
REZA SHAHABI



Campaign  
to Free Jailed Workers in IRAN



WE STILL NEED **MARX**  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wpiiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

## پاسخ به اردوغان!

نهم ژوئن: امروز اردوغان در چند چپاولگر انجام دادند انجام سخنرانی اش در شهر مرسین به طرفدارانش گفت ما کاری را که طرفدارانش گفت ما کاری را که چپاولگر انجام دادند انجام نخواهیم داد، آنها به آتش کشیدند و خرابکاری کردند و این معنای دهنده کوچک هستند.

**مقاومت مردم ترکیه به روستاها کشیده شد روی پلاکارت نوشته شده همه جا تکسیم است همه جا مقاومت...**



**و یک پاسخ دیگر: همسر عیاش، خودم چپاولگر و سه فرزندم انقلابی**



**آبه ماکوتو فعال سرشناس عرصه حمایت از کارگران مهاجر و پناهجویان و نایب رییس اتحادیه مهندسان-توکیو، دفتر ایکه بوکورو در ژاپن، از فراخوان ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی پشتیبانی میکند**



کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۲۰ ژوئن را روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی اعلام داشته است. "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در همبستگی با این اقدام مهم اعتراضی از همه تشکلهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان خواستار حمایت و پشتیبانی از این روز اعتراض جهانی و حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران شده است. بدنبال تلاش جمال صابری از همکاران کمپین برای آزادی کارگران زندانی در کشور ژاپن و در پاسخ به این فراخوان آبه ماکوتو (Abe) Makoto فعال سرشناس عرصه

حمایت از کارگران مهاجر و پناهجویان و نایب رییس اتحادیه مهندسان-توکیو، دفتر ایکه بوکورو (Manager Union - Tokyo, Ikebukuro Office) خواستار شد که اسم او در لیست حمایت کنندگان از این فراخوان قرار گیرد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی شهلا دانشفر shahla\_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش bah-ram.soroush@gmail.com http://free-them-now.blogspot.co.uk/

۲۰ خرداد ۹۲، ۱۰ ژوئن ۲۰۱۳

## نگاهی کوتاه به سه روز از اعتراضات مردمی در ترکیه

### گرد آورنده: نازیلا صادقی

#### یازدهم ژوئن:

ساعت ۷:۳۰ صبح پلیس برای جمع کردن پلاکارتها و سنگرها به میدان تکسیم رفت که با کوکتل مولوتوف مورد حمله قرار گرفت.

ساعت ۹:۰۰ فرماندار استانبول اعلام کرد پلیس فقط برای جمع آوری پلاکارتها به میدان تکسیم آمده و وارد پارک قاضی نخواهد شد.

در اعتراض به حمله صبح زود پلیس به میدان تکسیم ۱۰۰ وکیل در مقابل دادگستری دست به تحصن زدند که پلیس ۵۰ نفر از آنها را بازداشت کرد.

ساعت ۱۱:۱۰ پلیس به طرف پارک قاضی رفت. در اطراف پارک قاضی مردم دیوار انسانی کشیده اند. ساعتی بعد پلیس در میان دست زدنهای مردم مجبور شد عقب نشینی کند.

ساعت ۱۳:۰۰ همبستگی تکسیم میخواست در این میدان یک کنفرانس خبری ترتیب دهد که پلیس مانع آن شد. پلیس در میدان تکسیم مانع هر گونه تجمعی میشود.

ساعت ۱۳:۳۰ پلیس مردمی را که میخواستند در میدان تکسیم تجمع کنند، پراکنده کرد. درگیری ادامه دارد و در حال حاضر درگیری اصلی دم در ایستگاه مترو است.

ساعت ۱۳:۴۰ پلیس وارد پارک قاضی شد و بعضی از دست نوشته ها را جمع کرد.

ساعت ۱۴:۰۰ مردم با تشکیل دیوار انسانی دوباره پلیس را به میدان تکسیم راندند.

ساعت ۱۶:۰۳ پلیس در مقابل پارک قاضی ایستاده است. مردمی که از طرف خیابان حریبه سعی میکنند وارد پارک شوند به پلیس سنگ پرت میکنند، پلیس هم جواب آنها را با گاز فلفل و آب میدهد.



ساعت ۱۷:۰۰ فرماندار استانبول در تویتر خود پیغام گذاشته است: همانطور که گفتیم پلیس فقط پلاکاردها، دستنوشته ها و سنگرها را جمع کرد. در درگیریها فقط یک شخصی و یک مامور پلیس مجروح شدند که در بیمارستان در حال مداوا هستند.

ساعت ۱۷:۱۰ هدف پلیس پارک قاضی است و با حرکت به سمت آن پیاپی گاز فلفل پرتاب میکند. بر اثر حمله پلیس تعداد زیادی در پارک قاضی زخمی شده اند. پرتاب گاز فلفل به پارک ادامه دارد.

ساعت ۱۷:۵۰ در میدان تکسیم مردم برای فرار از گاز فلفل کرکره های مترو را شکسته و سعی میکنند به آنجا پناه ببرند.

ساعت ۲۰:۱۱ پلیس با استفاده از گازهای متفاوت و آبیاش جمعیت را از میدان تکسیم پراکنده کرد. بعلت استفاده بیش از اندازه گاز، چشم چشم را نمیبیند. پلیس کاملاً کنترل میدان تکسیم را بدست گرفته است.

ساعت ۲۰:۳۳ میدان کاملاً از گاز پوشیده است. گفته میشود تعداد زیادی آمبولانس وارد میدان تکسیم شده است. تعداد زخمیها بسیار زیاد است. متحصنین در پارک قاضی بشدت تحت تاثیر گاز پخش شده هستند.

ساعت ۲۰:۳۷ فرماندار



استانبول در تویتر خود پیغام داده که گروهکهای حاشیه ای با پلیس در میدان تکسیم درگیر شده اند ساعت ۲۱:۳۰ هزان پلیس وارد پارک قاضی شد و چادرهای متحصنین در پارک را به آتش کشید.

ساعت ۲۲:۰۰ سوپر مارکت انقلاب (سوپر مارکتی که در این مدت همه اجناس آن مجانی بود و متحصنین مایحتاج خود را از آنجا تامین میکردند) توسط پلیس به آتش کشیده شد.

ساعت ۱۹:۰۰ فرماندار استانبول اعلام کرد پلیس تمام شب را در میدان تکسیم خواهد ماند و به جمع آوری پلاکارتها مشغول خواهد بود.

ساعت ۱۹:۰۵ دود ناشی از گازهای پرتاب شده در میدان تکسیم از پل بسفر قابل دیدن است. تظاهر کنندگان سه عدد ماشین های ساختمانی را به آتش کشیدند. جلوی ورود مردم به میدان تکسیم را نمیشود گرفت.

ساعت ۲۲:۰۴ فرماندار استانبول اعلام کرد پلیس از پارک قاضی عقب نشینی کرده است و کلا پلاکاردها و دست نوشته ها و سنگرها را از آنجا جمع کرده است. ساعت ۲۲:۵۰ درگیریها در میدان تکسیم و خیابان تارلا ادامه دارد.

ساعت ۱۱:۵۵ درگیری در میدان تکسیم هنوز ادامه دارد. بیست هزار نفر از تکسیم راه افتادند و دارند سعی میکنند خودشان را به پارک قاضی برسانند.

#### در میان اخبار:

\* رسانه های ترکیه یا سکوت می کنند و یا اخبار را وارونه جلوه میدهند. سی ان ان بین المللی: پلیس به روی مردم گاز اشک آور شلیک میکنند. سی ان ان ترکیه: گروهک ها بسوی پلیس کوکتل مولوتوف پرت میکنند.

\* با مقایسه عکسهای منتشر

شده معلوم شد که از اول صبح کوکتل مولوتفها توسط پلیس شخصی انداخته شده و ادعا های پلیس دروغ بوده است.

\* قرار بود روز ۱۲ ژوئن هیئتی متشکل از یک روزنامه نگار Hayko Bağdat و مدیر گرین پیس Hilal Atc از طرف مقاومت پارک قاضی با اردوغان وارد مذاکره شوند که هر دوی آنها بعلت خشونت بیش از حد اعمال شده پلیس، امروز درخواست ریس جمهور برای مذاکره را رد کردند.

#### دوازدهم ژوئن:



ساعت ۲ صبح، پلیس آغاز به پرتاب پی در پی گاز به پارک قاضی کرد. بعضی از بیمها به چادر وکلای مجلس (CHP) اصابت کرده است. تقریباً همه به لابی هتل دیوان که در طول شب مثل یک درمانگاه از آن استفاده میشد پناه بردند. لابی هتل دیوان و ۳ طبقه از راهروهای هتل از زخمی ها پر بود.

طبق گزارش رسیده پلیس برای بردن زخمی ها به هتل مراجعه کرده که بعلت مقابله شدید کارکنان هتل حتی نتوانست به داخل بیاید.

ساعت ۰۳:۰۰ پلیس علاوه بر بمب گاز شروع به پرتاب بمب صدا کرده است.

ساعت ۰۳:۳۰ معاون رئیس حزب CHP (Sezgin Tanrıkulu) میگوید پلیس در هنگام پرتاب بمب صدا و گاز، چادری را در پارک نشانه گرفته بود که بر روی آن پلاکاردها

آویزان بوده و بالای آن یک پرچم سفید نصب شده بود و گفت این یک جرم انسانی است.

ساعت ۴:۰۰ پلیس پرتاب بمب گاز و صدا به پارک را تمام کرده و در تکسیم شروع به پاشیدن آب به طرف مردم کرده است.

ساعت ۰۵:۰۰ متحصنین پارک قاضی شروع به بریایی پلاکاردهای خود در پارک کردند. پارک قاضی به مقاومت خود ادامه میدهد.

ساعت ۱۱:۰۰ با وجود باران متحصنین شروع به تمیز کردن محل کردند.

ساعت ۱۱:۱۵ پلیس هنوز در میدان تکسیم جلوی مرکز فرهنگی

ساختمان مرکز فرهنگی آتاتورک رفته و به جای یک پرچم کوچک دو پرچم بزرگ ترکیه و در وسط آن عکس آتاتورک را آویزان کرد. پلیسهای ضد شورش که مقابل ساختمان ایستاده بودند شعار "وطن جانم فدای تو" و "همه چیز برای وطنم" و "خون ریخته شده برای پرچم" سر دادند.

وکلاي آنکارا در اعتراض به جریانات روز قبل استانبول به خیابانها آمدند. وکلای آنتالیا نیز دست به تحصن زدند..

۱۳:۳۰ وکلای آنکارا راه ترافیک را بسته اند و به سمت میدان کیزیل آی آنکارا راهپیمایی میکنند.



ساعت ۱۴:۲۶ این عکس با

عنوان فردی از حاشیه ای ترین گروهکها در مدیای ترکیه جا گرفت روی بازوی این زن مسن، گروه خونی او نوشته شده است. متحصنین پارک قاضی از روز اول این کار را انجام دادند تا به هنگام زخمی شدن به دکترهایی که برای کمک می آیند، کمکی باشد. این خانم مسن دیشب به بیمارستان منتقل شد.

ساعت ۱۴:۴۵ نماینده مجلس استانبول از حزب (CHP) Tanal) بر علیه اردوغان به جرم اینکه "در سخنرانی ۹ ژوئن در آنکارا مردم را به کینه توزی و دشمنی با یکدیگر تحریک کرده و افترا زده و تحقیر کرده" به دادگاه شکایت رسمی کرده است.

ساعت ۱۴:۵۲ نماینده مجلس اسکی شهیر از حزب (CHP)

آتاتورک مستقر است.

ساعت ۱۲:۲۸ آبجو افس پیلسن (Efes Pilsen) طی یک اطلاعیه اعلام کرد بعلت تصویب قانون الکل و منع آگهی الکل در این قانون نمیتواند دوازدهمین فستیوال موزیک خود را برگزار کند و این کنسرت که قرار بود در تاریخ ۲۰ تا ۲۲ همین ماه برگزار شود ملغی شد. قرار بود در فستیوال امسال گروههایی از قبیل New Order, The Vaccines Gramatik, Wax Tailor, Blur, Foals James Blake, و ... شرکت کنند

ساعت ۱۲:۴۰ پارک قاضی در حال پر شدن از مردم است. مردم با خود شیر و سرکه و مواد مورد نیاز متحصنین را به همراه دارند.

ساعت ۱۳:۳۰ پلیس بالای

## Sheyl Batum) اعلام

کرد "این حرکت به مراتب چیزی خیلی بیشتر از استفاده بی حد از قدرت است. بعنوان نمایندگان مجلس این مساله را به دادگاه حقوق بشر اروپا خواهیم برد. رفتار ضد انسانی با لباس رسمی و توسط پلیس رسمی اجرا میشود!"

ساعت ۱۵:۰۰ تظاهرکنندگان دوباره در حال جمع شدن در میدان تکسیم هستند. پلیس هم در حال برگشت به سر جای خود است.

ساعت ۱۵:۰۴ هزاران وکیل در اعتراض به پلیس بخاطر دستگیری وکلا، در دادگستری استانبول جمع شدند و شعارهای: "همه جا تکسیم، همه جا مقاومت"، "دادستان استعفا استعفا" و "دادستان یک نگاهی بنداز و بشمار ببین چند نفریم"، سر دادند.

نمایندگان زن مجلس ایتالیا امروز در همبستگی با دختر قرمز پوش پارک قاضی که مورد حمله پلیس قرار گرفت، با لباس قرمز به مجلس رفتند.

ساعت ۱۵:۴۸ اردوغان خود "هیئت نمایندگان" تعیین کرد و با آنها جلسه گذاشت. این جلسه بعد از ۵ ساعت بحث به پایان رسید.

اردوغان گفت میتوانیم برای پارک قاضی رفراندم بگذاریم. اما جوانانی که در پارک متحصن هستند بدانند که در بین آنها گروهکها هم وجود دارند برای همین تا ۲۴ ساعت پارک را تخلیه کنید وگرنه با مداخله پلیس روبرو خواهید شد!

ساعت ۱۶:۵۸ فرماندار استانبول هم تهدید کرد "یک چهارم پارک خالی شده و ما منتظریم کسانیکه مانده اند با رضایت خودشان بیرون بروند. ماندن در پارک ریسک دارد. هرکس میتواند این ریسک را بخرد یا نه. از این پس خود را به دردسر خواهند انداخت."

ساعت ۱۹:۳۳ هزار و پانصد وکیل در اعتراض به بازداشت ۵۰ وکیلی که دیروز بازداشت شدند بطرف میدان تکسیم راهپیمایی

کردند.

ساعت ۲۰:۰۰ هزاران نفر در میدان تکسیم جمع شده اند و منتظر رسیدن وکلای هستند که به طرف تکسیم د حال راهپیمایی هستند.

ساعت ۲۰:۴۷ تلویزیون CBC کانادا اعلام کرد که خبرنگارشان در ترکیه بازداشت شده است.

ساعت ۲۱:۰۰ آنکارا به مقاومت خود ادامه میدهد.

ساعت ۲۱:۱۸ مردم از سمت کاکلی کوی (kakiky) جمع شده راهپیمایی خود را آغاز کردند. در آنکارا پلیس سعی میکنند جلوی راهپیمایی ۵۰۰۰ نفر را با گاز فلفل و آب بگیرد ولی آنکارا یک صدا میگوید همه جا تکسیم، همه جا مقاومت.

ساعت ۲۱:۴۰ مردم در آنکارا در پارک قو تجمع کرده اند.

ساعت ۲۲:۲۸ به صحبتهای اردوغان در مورد رفراندم پارک قاضی پاسخ داده میشود. مردم در پارک قاضی میگویند به رای گیری حزب عدالت و توسعه (AKP) اعتماد ندارند و میگویند این رفراندم مال آنهاست. اگر قرار است رفراندمی شود باید فقط از مردمی

۱۳ ژوئن

۴ دقیقه بعد از نیمه شب: مردم جلوی در ورودی پارک قاضی در میدان تکسیم متحصن شدند و بعضی از آنها هم زنجیرهای انسانی تشکیل دادند.

ساعت ۰۹:۳۱ لایحه جدیدی که از طرف دفتر ریاست جمهوری و سازمان امنیت ترکیه تهیه شده و در آن به سازمان امنیت "در صورت احتمال به تهدید داخلی" اجازه دخالت آزادانه میدهد وارد بحث شد.

ساعت ۱۱:۰۰ گروه رد هک اعلام کرد که تمامی اطلاعات، اسناد وسوابق پلیس آنکارا را در دست دارد و در صورت هر گونه حمله به متحصنین پارک گزی همه آنها را بر روی اینترنت خواهد گذاشت. (رد هک نام گروهی متشکل از هکرهایی است که خود را مارکسیست، سوسیالیست میدانند. آنها در سال ۱۹۹۷ متشکل شدند و در ۲۰۱۲ با تخریب کل سیستم اینترنتی سازمان امنیت آنکارا و از کار اندازی موقت ۳۵۰ سیستم اداره پلیس اسم خود را مطرح کردند. هسته اصلی این گروه ۱۲ نفر است.)

ساعت ۱۲:۴۵ پارلمان



که در محله بی اوغلو (Beyolu) زندگی میکنند سوال شود. عده ای هم میگویند در این مورد رفراندم جواب نمیدهد و این مسئله باید از راههای حقوقی حل شود.

ساعت ۲۳:۲۷ کنسرت پیانو در کنار مجسمه میدان تکسیم!

جان باخته اند در میدان تکسیم  
شمع روشن کردند.

### چهاردهم ژوئن:

ساعت ۰۰:۲۵ در آنکارا در  
خیابان کنندی با گاز و آب به  
تظاهرات کنندگان حمله کردند.  
تظاهرات کنندگان به کوچه ها رانده  
شدند. پلیس ضد شورش در همه  
خیابانها مستقر است.

آنکارا: داخل پر از گاز  
لفل است ولی نمیتوانیم برویم  
بیرون. بیرون پلیس ضد شورش  
است.

ساعت ۰۱:۴۰ هیئت که برای  
بحث با اردوغان رفته بودند در يك  
کنفرانس خبری نتایج کنفرانس را  
اعلام کردند:

"در هفدهمین روز تظاهرات  
هستیم. این دیدار با هیئت مشروع  
از طرف متحصنین صورت گرفت.  
این حرکتی در تمام مملکت هنوز  
حملات خشونت آمیز پلیس ادامه  
دارد. تظاهراتی که از اول بصورت  
صلح آمیز و با ایمانی بزرگ و با  
درايت و بلوغی دمکراتیک شروع  
شد هنوز تهدید به حمله میشود. راه  
سالم برای ادامه بحثمان از طرف  
تظاهر کنندگان این است که هیچ  
حمله ای به پارک قاضی صورت  
نگیرد. به خشونت پلیس در مقابل  
هزاران مردمی که در چهار گوشه  
ترکیه برای حمایت از پارک قاضی به  
خیابان می آیند پایان داده شود.  
بازداشت شدگان تظاهرات از روز  
اول تا به امروز همگی باید آزاد  
شوند. خواستار ادامه دیالوگ و  
پایان دادن به خشونت پلیس و  
تهدیدات هستیم. اتفاقات امروز  
مثبت بودند، امیدواریم این هر  
زمان ادامه داشته باشد."\*

استانبول را فرامیخواند تا از امشب  
ساعت ۲۱:۰۰ بصورت اکتیو در  
این اعتصاب جای خود را بگیرند و  
در صورت مداخله در پارک قاضی  
کارگران صاحب این مقاومت شده و  
با ترک کردن کار به سوی مرکز شهر  
در شهرهای خود راهپیمایی کنند.  
این قرار مختص امشب نیست. هر  
زمان که پارک قاضی مورد حمله  
قرار بگیرد این قرار اجرا میشود.  
بعنوان (KESK) در  
مبارزه برای استقرار برابری، آزادی و  
دمکراسی، به تمام کارگران دولتی،  
کارگران، جوانان، زنان و تمام مردم  
فراخوان میدهیم که در این مقاومت  
شریک شده و برای بزرگتر کردن آن  
قدم بردارند."

ساعت ۲۱:۳۱ در هفدهمین  
روز مقاومت پارک گزی يك گروه به  
نام مادران چپاولگران در حال حاضر  
در میدان تکسیم جمع شده اند و با  
شعار همه جا مادر، همه جا  
مقاومت مقابل در ورودی پارک  
گزی در تکسیم زنجیر انسانی  
تشکیل داده اند. آنها با شعار  
عبدالله جمرت بچه همه ما بود  
همبستگی خود را با این مبارزه  
اعلام کردند. (اردوغان روز اول  
شروع این تظاهرات گفت اینها  
عدهای چپاولگرهستند که به  
خیابان آمدند)

ساعت ۲۳:۰۷ در  
میدان تکسیم از ساعت ۲۲:۰۰  
کنسرت پیانوی دیشب تکرار شد  
این کنسرت را که از طرف يك  
پیانست ایتالیائی اجرا شد مردم و  
پلیس با هم گوش کردند. این  
کنسرت به مدت يك ساعت طول  
کشید.

ساعت ۲۳:۴۰ تظاهر کنندگان  
به یاد کسانی که در این تظاهرات

رسکو داشت گفت من لایحه صادر  
شده از طرف پارلمان اروپا را  
برسمیت نمی شناسم.  
ساعت ۱۶:۰۰ نماینده  
استانبول در مجلس (Sabahat Akkiraz)  
از حزب CHP از مشکلات علوی  
ها صحبت کرد و سپس با باز کردن  
کت خود و نشان دادن تی شرتی روی  
آن نوشته بود "چپاولگر و مقاومت  
کنند گزی" و با سلام فرستادن برای  
چپاولگران سخنرانی خود را به اتمام  
رساند.

ساعت ۲۰:۱۹ هیئتی  
متشکل از هنرمندان و روشنفکران  
برای برگزاری جلسه با اردوغان به  
آنکارا رفتند. این هیئت از طرف  
گروه مقاومت پارک قاضی تایید  
شده است.

ساعت ۲۱:۴۵ کنفدراسیون  
سندیکای کارگری کارکنان دولتی (KESK)  
اعلام کرد در صورت  
مداخله پلیس در پارک قاضی  
دویست و چهل هزار عضو آن، کار  
را ترک خواند گفت. در بیانیه آمده  
است که:

"... بخصوص در این دو روز  
آخر از طرف نخست وزیر و فرماندار  
استانبول سیگنال مداخله در پارک  
قاضی داده میشود. باید بدانید که  
يك چنین کاری مسئله را به حالت  
حل نشدنی درمیآورد و همه  
مملکت را بصورت پارک گزی در  
می آورد و مسئول تمام مشکلات  
پیش آمده حزب عدالت و توسعه  
خواهد بود.

همانطور که (KESK) در  
روز ۴ و ۵ ژوئن بر علیه تغییرات  
قانون بازنشستگی و درآمد  
اعتصاب کرده و در تمامی شهرها  
به میدانهای اصلی شهرها آمدم،  
در این روزها که اینچنین بی پروا  
پارک گزی تهدید میشود واکنشمان  
را در حد اعلا نشان خواهیم داد. (KESK)  
که از روز اول مقاومت  
در کنار مردم و جزیی از مردم بوده  
تعهد میکند که به این وظیفه  
تاریخی خود عمل کند. در این  
راستا (KESK) همه کارگران  
دولتی در تمام استانها به ویژه



## انترناسیونال نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود